

آقای سید محمد قدین - بواسطه تحقیقاتی که کرده ام موجب مخالفتم رفع شد.

رئیس - پس دیگر معترضی نیست رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی ایشانرا تصویب میفرمایند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رایورنی است راجع به آقای مساوات مخالفی نیست.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرماید.

رئیس - مخالف هستند.

آقا سید یعقوب - آقا میرزا ابراهیم قمی مخالف بودند.

رئیس - حالا که حاضر نیستند اگر جنابهای مخالفی دارید بفرمایند والا باید رأی بگیریم (رأی میگیریم آقایانیکه نمایندگی آقای مساواترا تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند). **رئیس** - تصویب شد رایورنی است راجع به آقای سلیمان میرزا سابقاً قرائت شده مخالفی نیست ؟

امیر ناصر - در دوجلسه قبل که اعتبارنامه شاهزاده سلیمان میرزا مطرح شده بود بنده حضور نداشته و موقعی برای استفاده از حق مخالفت خودم بدست نیاردم اتفاقاً رأی هم که بایشان داده شده بود حاضر عده کافی در مجلس نبوده و در جلسه قبل دوباره اعتبار نامه ایشان مطرح شده و موقع استفاده از حق مخالفت بدست من آمده که در مورد مسئولیت های ایشان در تولید موجبات و مقدمات مهاجرت و تاجیر سونی که از آن برای اهالی با شکست مهم از مملکت و مشکلاتی که برای دولت حاصل شده و علاوه بر آن وقت ناکون موجب تعطیل مجلس شورای ملی و تعطیل حکومت ملی گردیده مشروحاً عرض می دارم و اتفاقاً اشخاص مهمی که فعلاً شرف حضور و عضویت در مجلس شورای ملی دارند و شاهد اعمال شاهزاده و شریک در مصائب وارده بودند با صدای رسا حقایق گفتنی را بگویم و بر ضد اصول افغان و عوم قریبی که شخصاً دشمن این عقیده و اصول هستم پرده اشتباه را از برابر چشم ملت خودم که همیشه طالب کشف حقیقت و هواخواه مظلومانم بردارم ولی افسوس بسوءعت باز هم استفاده از حق مخالفت و بیان حقیقت محروم ماندم که یکی احترام رأی است که رفقای من در جلسه بایشان دادند و عنت تانی هم که اهم دل است رعایت نکات و دقایقی است که جلسه صبح شبیه همین بود مطرح و تصویب شد و مرا وادار به بردار با احترام از شاهزاده که ممکن است مخالف حیثیات مجلس واقع شود این است که با نهایت تأثر از محرومیت خودم و مجبوریت ماتم تصویب یارم اعتبارنامه ایشانرا برای مجلس و امیکدارم و دیگر مخالفی اظهار نمی کنم و اعتراضات خودم را با اولین مرحله امکان موقوف می دارم.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق).

سلیمان میرزا - همانطوریکه آقای امیر ناصر فرمودند و خواستند احترامات رأی مجلس را که در

روز شنبه داده شده مقدس و محترم بشمارند و این قبیل مذاکرات را مسکوت عنه بگذارند بنده هم چون بایستگی بحفظ احترامات مجلس دارم بنابراین داخل این مذاکرات نمیشوم و آرزو مند هستم که همانطوریکه ایشان فرمودند در اولین موقع امکان بتوانند این مطالب را شرح بدهند و ملت را از خواب غفلت بیدار نموده و پرده های غفلت و سایر مطالب را از قبیل عوام قریبی و غیره از برابر چشم ملت بردارند و حقیقت را عریان در نظر ملت جلوه گر فرمایند بنده هم از خداوند خواهان و نیازمندم که چنین موقعی را بزودی بدست همقطار محترم کرامت کند تا ملت و عموم مردم دنیا را از غفلت آگاه بکنند و اهالی مملکت از خدمات و اخلاف کارهای این ذره بمقدار که اسمش سلیمان میرزا است مطلع بشوند.

رئیس - آقای مدرس (اجازه نطق).

آقای مدرس - بنده عرضی ندارم فقط کمال تشکر را از هر دو نفر آقایان از آقای امیر ناصر و آقای سلیمان میرزا دارم که رعایت حیثیات مجلس را نمودند و از مذاکراتی که مخالف با احترامات مجلس است صرف نظر کردند و انشاء الله رحمن مسئله خاتمه می یابد.

رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای سلیمان میرزا آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند اغلب قیام نمودند.

رئیس - تصویب شد - رایورنی است راجع با آقای جلیل الملک آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید بفرمایید.

حاج شیخ اسدالله - چون ممکن است با جمع بودن انتخابات یک اعمال نفوذی نسبت بیک نماینده بشود و نسبت بیک متعین دیگر نشود و برای اینکه بعضی از آقایان بعد اشکال نکنند که در صورتی که

انتخاب جمعی بود چرا نسبت به یکی از نمایندگان دیگر اعتراض نکردی در حالیکه جریان انتخابات در یک صورت نبوده این است که عرض می کنم که خیر ممکن است با جمعی بودن انتخابات نسبت بیک اعمال نفوذ و تهدید شده باشد و نسبت بدیگری نشده باشد بطلان انتخابات ممکن است از دو نقطه نظر باشد یکی عدم صلاحیت منتخب و یکی بواسطه سوء جریان انتخابات بنده از نقطه نظر اخلاقی شاید به صلاحیت آقای جلیل الملک عقیده داشته باشم و عقیده دارم و از این نقطه نظر وارد مطلب نمیشوم اما بدبختانه از نقطه نظر جریان انتخابات و قتیکه ملاحظه بفرمایید می بینید که اگر یک مورد تهدید وجود خارجی داشته باشد و مصداقی پیدا بکند همین جاست چرا برای اینکه انتخاباتی که در کاشان صورت گرفته باین ترتیب بود در خود شهر یک حوزه انتخابیه تشکیل شده در نظر هم یک حوزه جزء در جوشقانهم مطابق رایورنی که رسیده یک حوزه دیگر تشکیل شده اگر چه بنده کاملاً دوسه را ملاحظه و مراجعه نکردم و امروز صبح این رایورنی بمن رسیده ولی آنچه اطلاع دارم بعرض آقایان نمایندگان ملت میرسانم در بدو انتخابات یعنی قبل از شروع با انتخابات مطابق آنچه شهرت دارد

ومی گویند شاید مدرکی هم در دوسه باشد که این نظریه را تأیید بکند اینست که یکی از منسوبین خیلی نزدیک آقای جلیل الملک بسمت مأموریت مالی که کاشان بجهت اجرای این مقصود معین شده و حکومت محل هم که از آنجا خواسته است حرکت بکند نسبت ایشان مشروط بر این کار بوده است که آقای جلیل الملک از آنجا انتخاب شوند بعد از آنکه وارد بکاشان شده اند بر حسب امر دولت انتخابات را شروع کرده اند ماشاء الله خان هم با یک فشار فوق العاده با نظریه آنها همراهی کرده در بین جریان انتخابات کاشان شکایاتی رسیده است که انتخاب اینجا از روی تهدید است و مردم در دادن رأی آزاد نیستند حتی رئیس نظمی محل تلگرافی با سیم کمیانی که گویا رمز هم باشد به رئیس الوزراء وقت میبکند که انتخاب اینجا جریان طبیعی نیست و من از عهده انجام اینکار و از عهده جلوگیری بر نمی آیم حتی شخص مرا تهدید و تطبیع میکنند ملاحظه فرمایید مأمور رسمی دولت در محل انتخابات و در موقع انتخابات این رایورنی را میده علاوه بر این شکایات فوق العاده دیگر در همان موقع از انتخابات آنجا رسیده مبنی بر اینکه انتخابات آزاد نیست رئیس الوزراء گویا از مجرای وزارت داخله انتخابات آنجا را توقیف می کند و بیست روز هم در تحت توقیف میماند حکومت محل هم در همان موقع رایورنی می دهد که وسائل انتخابات در آنجا فراهم نیست در بین جریان انتخابات رئیس نظمی رایورنی میدهد که مرا تهدید و تطبیع کرده اند و مأمورین رسمی دولت رایورنی میدهند که وسائل انتخابات در آنجا موجود نیست این جمله را بنده نمی فهمم یعنی چه خوبست آقایان دقت کرده به بینند از این مطلب چه میفهمند بعقیده بنده وسائل انتخابات فراهم نیست یعنی تهدید در کار است یعنی فشار ماشاء الله خان در بین است یعنی وسائل غیر مشروعه در اینجا اعمال میشود نمی دانم پس از مدتی چه میشود که وسائل انتخابات فراهم میشود و از اینجا تلگراف میبکنند که انتخابات را از توقیف خارج نمایند همان تعرفه را که نظمی و حکومت تهدید و بطلانش را رایورنی داده اند و هزار و کسری بوده که همه تصدیق کردند که از روی تهدید بود و دست جزء تعرفه های رسمی قرار داده و آراء هم از آنها گرفته اند مأمورین مالی هم در اینجا بموجب دستوری که داشته اند شروع با اقدامات و فشار ها نموده مخصوصاً در حوزه نظار با اندازه فشار وارد می آورند که در موضع انتخابات اهالی از نظار فرار کرده و با و درستان رفته از آنجا شکایت میکنند که امان از این انتخابات این چه وضعی است ما برای این انتخاب در عذاب هستیم در بدر شدیم معلوم است اگر این مردم آزاد بودند و میتوانستند شکایات خودشانرا از کاشان مخفیانه بکنند البته با بارستان نمی رفتند پس بعقیده بنده انتخاباتی را که میتوان گفت از روی تهدید بوده همین انتخابات است آیا نمایندگان محترم غیر از این وسائل تهدید

را چه فرض می نمایند آیا فرار اهالی را از ولایات خود از خانه خود و بعلل دیگر رفتن و شکایات آنها را از مأمورین مالی که برای انتخاب اشخاصی که در نظر دارند ما را بپش آورده اند بر چه حمل میفرمایند علاوه بر این مأمورین مالی چه نسبت دارد دخالت در انتخابات کنند و یا اینکه صندوق آراء را به خانه امین مالی ببرند ملاحظه بفرمایید در قانون انتخابات یک چنین حق و نظارتی به مأمورین مالی داده شده است علاوه هیئت نظار کاشان در رایورنی خود تصدیق می نمایند که ماشاء الله خان برای انتخابات دستوراتی داده منتها در آنجا ذکر می نماید که این دستوری که ماشاء الله خان داده است برای این است که وسائل شکایت بدست مردم داده باشد و برای اینکه با انتخابات مخالف بوده مردم دستور العمل میداده که راه شکایت باز شود آیا هیچ مناسبت دارد که ماشاء الله خان برای ابطال انتخابات دستور العمل دهد که فلان را انتخاب نمایند برای اینکه بعد از انتخاب مردم شکایت نمایند این است که از آقایان تمنا می نمایم که با کمال دقت و انصاف در این رایورنی و انتخاباتی که در آنجا شده نظر بکنید و از روی بی غرضی وسعت و از روی وجدان حکم کنید و ببینید که آیا این انتخاب انتخابی است که مجلس شورای ملی بتواند او را پذیرفته و رأی بصحت آن دهد اگر همچو چیزی را وجدان آقایان قبول کرد بنده مطیع اکثریت بوده و تصدیق خواهم کرد **سردار معظم (منجر شهبه)** - مقدمتاً باید گفته شود که فصول شکایات و لوائیکه قطر دوسه شکایات خیلی زیادتر از این دوسه باشد اساساً نباید انسان را مرعوب کند زیرا که یک شکایت کوچک را اگر در ظرف سال یا روز تکرار کنند یک شاهنامه می شود (گفته شد صحیح است) در صورتیکه قطر دوسه و تعدد شکایات هیچ اثری در صحت و سقم انتخابات ندارد بعقیده من یک ماده شکایات معین که مبنی بر قانون باشد مؤثر تر از تکرار شکایت بدون دلیل است کلاً تأثیر این مملکت یک اصول کلی برای شکایات از انتخابات اتخاذ نشده که تا وقتی که تعرفه داده می شود و انجمن نظارت مشغول است آن شکایات در کار نیست اما بمجریکه انجمن نظارت شروع باستخراج آراء می نماید شکایت شروع می شود یعنی بعضی اینکه یک عده از کاندیدهای محلی مایوس از انتخاب شدن میشوند شروع می نمایند به تلگرافات شکایات با سیم کمیانی و ترتیب کاغذ های جعلی باسم اینکه در انتخابات تهدید است و تطبیع است ما آزادی رأی نداریم ما را فلان مأمور مجبور کرده این شکایت کلی است و مجلس شورای ملی نمی تواند باین شکایات ترتیب اثری بدهد ولی گفته می شود فلان مأمور دولتی در فلان مورد بن امر کرد که فلان کار را بکنم این شکایت قانونی است و باید مجلس شورای ملی در تحت نظر و مطالعه بیاورد و بعد بطرفانه حکمیت کند والا شکایت کلی مبطل انتخابات نیست و من این مطلب را بصوت بلند میگویم برای اینکه شکایت کنندگان انتخابات آتی در نظر

داشته باشند که این نوع شکایات کلی را نمی شود مآخذ ابطال انتخابات قرار داد آقای حاج شیخ اسدالله از موافقت مأمورین مالی نسبت بمنتهب کاشان شرحی بیان فرمودند اولاً می خواستم یک مطلبی را سؤال کنم آیا واقعاً بمجریه اینک که امین مالی یک رئیس نظمی یک حاکمی توصیه کند که اگر صلاح بداند فلان کس را برای نمایندگی انتخاب کند آن انتخاب باطل است یا خیر آیا شما بمجریه و به منطبق این مطلب را منافی صحت انتخابات می دانید یا بیدید دخالت اشخاص تاجه حد مشروع و تاجه حد غیر مشروع است البته امین مالی یک مأمور دولتی دیگر میتواند عقیده خود را ترویج بکنند منتها حد ترویج او باید محدود بمسئول باشد اولاً باید برای پیشرفت مقصود خودش باشد و ثانیاً نباید تهدید و یا تطبیع کند یعنی باید بلاعرض باشد بعقیده من مأمور مالی در مداخله انتخابات همان حق را دارد که تمام افراد مملکت دارا میباشند پس بنابراین اگر امین مالی اصفهان یا پیشکار مالی شیراز فی المثل بگوید خوبست شاهزاده سلیمان میرزا را انتخاب بکنید و نگویید که اگر انتخاب نکنید فلان مجازات را در حق شما اعمال خواهم کرد و وعده بدهد که اگر کردند فلان پول را بشما خواهم داد من تصور می کنم که هیچ ضرر ندارد و پیشکار مالی فارس می تواند از این حق مشروع استفاده بکند و وقتی که اساساً بمداخله مأمورین دولتی در انتخابات قائل شدیم آنوقت ممکنست یک امین مالی از یک شخص معینی ترویج کند و یک رئیس نظمی مخالفی هم ممکنست باشد و بر حیل او اشکالاتی بکند پس از این نقطه نظر وقتی که وارد قضیه بشویم باید بگوئیم مداخلات هر دو ممکنست مبنی بر غرض بوده باشد ولی نمی توان گفت که چون امین مالی موافقت کرده است مرتکب خلاف قانونی شده و چون رئیس نظمی مخالفت کرده شخص صحیح العملی است اخیر هیچ مدرکی در دست نیست علی الخصوص که قانون انتخابات هم هیچ وظیفه و مسئولیتی برای رئیس نظمی معین نمی کند که وقتی مواد قانون انتخابی می بینیم فقط رئیس نظمی یک نفر مأمور حفظ انتظام است و وظیفه دیگری در انتخابات ندارد قانوناً یک نفر مأمور دولت حق مداخله دارد آنهم حاکم است و آنهم در ابتداء امر انتخابات یعنی در قسمتی که راجع بتأسیس انجمن نظارت است پس از اینکه حاکم انجمن را معین کرد آنوقت قسمت اعظم مراقبت در صحت و سقم انتخابات مربوط میشود با انجمن نظارت و در حین عملیات انجمن نظارت حاکم هم مداخله نمی کند پس بنابراین مداخله رئیس نظمی چه از روی موافقت و چه از روی مخالفت بهیچ جای قانون سکنه وارد نمی آید و بطور مقدمه این دو معنی لازم بود عرض کنم آقای حاج شیخ اسدالله ایراد را که کرده اند یکی در صلاحیت بود که خودشان فرمودند آن اشکال را در باره شخص منتخب ندارند و دیگری راجع بود بجرایان

انتخابات اینکه فرمودند ممکنست در انتخابات جمعی مطلب را تفکیک کرد این فرض برای من قسری مشکل است زیرا که اگر ایراد بمنتهب نداشته و بجرایان انتخابات داشته باشند باید بگوئیم نتیجه آن انتخابات هر چه باشد نقیاً یا اثباتاً باید شامل تمام انتخابات آنجا بوده باشد و مجلس شورای ملی خوشوقانه مطابق رأی که در انتخابات کاشان داده معلوم شد که موافقت نظر با آقای حاج شیخ اسدالله در باره سوء جریان انتخابات کاشان ندارد و بواسطه تصویب نمایندگی آقای میرزا سید حسن صحت انتخابات مجلس را تصویب کرد زیرا مجلس نمی تواند با تصدیق سوء جریان انتخابات کاشان نماینده دیگر کاشان را قبول کند و من تصور می کنم که روحاً و اخلاقاً مجلس شورای ملی اساس انتخابات کاشان را تصدیق و قطع کرده و بعقیده من مراجعه باین مطلب مخالف بآن رأی مجلس است پس این مطلب بعقیده بنظر من ختم و تمام شده است از نقطه نظر سوء جریان انتخابات پس از تصویب یک نفر از نمایندگان کاشان دیگر نمیتوان گفتگوئی کرد اما مسائلی فرمودند راجع به بردن آراء بمنزل امین مالی و مداخلات ماشاء الله خان در امر انتخابات بنده شخصاً راجع با انتخابات اطلاعات خصوصی ندارم حکمت شعبه مطابق اسنادی است که در دوسه است و قهرراً و قتیکه ما خودمان در یک قضیه شاهد و ناظر نباشیم مجبوریم که بالاخره بشهادت شهود اتخاذ عقیده بکنیم بلی یک شکایاتی در دوسه هست و یک شخص مدعی شده که آراء نظار را برای حفاظت بمنزل امین مالی برده اند ولی نمیگویند صندوق باز بوده و میگویند آن صندوق مهر و بهر انجمن نظارت بوده و منتهی برای اینکه تصور شبهه نشود یک عده از اهالی نظار که عبارت از حاکم و انجمن نظارت انتخابات و جمعی از معاریف و علماء مجلس بعضی اینکه این شکایات را شنیده اند وقوع این قضیه را تکذیب می کنند و یقین دارم که آقا خودشان هم در آنجا تشریف نداشته اند که اطلاعات شخصی داشته باشند می بینند شکایاتی راجع به سیردن صندوق بامین مالی رسیده اما در مقابل یک عده اشخاصی هم که هیچ علت ندارد همه آنها را مفرض تصور کنیم می نویسند که همچو خبری نبود و کسی صندوق آراء را به امین مالی تسپرده است اما واقعاً و انصافاً ما باید این شکایت را در نظر بگیریم و وارد مطلب شویم که آیا سیردن صندوق آراء بامین مالی تا چه درجه سکنه با اساس انتخابات وارد می آید یا باید این شکایات را در نظر گرفته و قابل توجه بدانیم غیر دیگر آنکه شکایات از مداخله ماشاء الله خان در امر انتخابات می کنند وقتی بدقت بدوسه انتخابات ملاحظه کنیم خواهیم دید که در مرحله اول ماشاء الله خان کاملاً بی دخل بوده حتی مطابق تلگراف

همی هم که حاکم کاشان به رئیس الوزراء زمان میکنند میگوید من ماشاءالله خان را راضی کردم که از شهر بیرون برود و در خارج شهر باشد برای اینکه تصور نرود که مخالفت یا موافقت یا اقدامی برای انتخاب کسی کرده ولی وقتیکه انتخابات شروع شده است و هزار و شصت و شش نفره داده شده است در این بین بواسطه شکایاتی که شده است از طهران هم حکم شده که انتخابات را توقیف کنند اینکجه چه اندازه دولت حق توقیف یا عدم توقیف انتخابات را دارد بنده کاملاً نمی توانم عرض کنم ولی اساساً عقیده خودم این است که دولت هیچ حق ندارد انتخابات را توقیف و یا تجدید کند و هر نوع مداخله دولت که خارج از حدود قانون انتخابات باشد خلاف قانون است (گفته شد صحیح است) بنا بر این دولت پس از استماع سوء جریان انتخابات کاشان باید بحاکم کاشان تذکر بدهد با یک مأمورینی که محل اعتمادش بوده باشند باید بکاشان بفرستد که تحقیق نمایند حالا چه شده و برای چه این حکم خلاف قانون از طرف دولت صادر شده نمیدانم همین قدر معلوم است که تقریباً یک ماه انتخابات کاشان به تعویق افتاده است در این یک ماه چه شده و چه راپورت هایی رسیده نمیدانم ولی مطابق اسنادیکه ما می بینیم قیافه ماشاءالله خان نسبت به انتخابات تغییر کرده عبارتاً از مخالفت انتخابات شده است چنانچه بنده در اینجا یک سند اتفاقی دارم که الان بدست من رسیده و یک کسی که صلاحیت اظهار این عقیده را دارد میگوید کسان ماشاءالله در آن موقع در اتصال مأمور نایب نظر مبصر بوده اند همان مأمور مالبه که گفته میشود اعمال نفوذ در باره منتخبین فعلی می کرده است بنا بر این باید تصدیق کنیم که وقتی دو نفر موافق در یک مقصود یکدیگر را مغل پیشرفت مقصود خودشان میدانند از یکدیگر شکایت می کنند چون این قیافه ماشاءالله خان در انتخابات عوض میشود توقیف انتخابات کاشان هم شروع می شود تولید یک شکایاتی میکند و مطابق اظهارات انجمن ماشاءالله خان و اتباهش در صدد بوده اند که آراء جوشقان و نظرات را در ضمن حمل به کاشان در راه تصرف و نسبت به آنها مداخلاتی بکنند و بهین ملاحظه است که این دو انجمن جزء وقتیکه کسب تکلیف از انجمن مرکزی میکنند انجمن مرکزی میگوید بملاحظات محلی کاشان مقتضی نیست صندوق آراء را به شهر بیاورند عبارتاً از می خواهند بفهماند که بواسطه نا امنی راه ممکن نیست که آراء سالم به شهر برسد و مخصوصاً توصیه میکنند که آراء را در محل استخراج نمایند زیرا تصور می کنند که آراء جوشقان و نظرات در محل از مداخلات اجزاء ماشاءالله خان و نائب حسین محفوظ خواهد ماند البته مخالفین انتخابات وقتی که میخواهند

شکایت کنند چه میگویند خصوصاً وقتیکه یک ماشاءالله خان باغی یک ماشاءالله خان دزد راهزنی هم در کاشان وجود دارد اگر کسی بخواند مخالفت با انتخابات بکنند میگوید این انتخابات در تحت تأثیر اقدامات ماشاءالله خان بود (گفته شد صحیح) چنانکه برعکس وقتی موافقین انتخابات میخواهند برای ضایع کردن مخالفین خودشان یعنی مخالفت کنندگان با انتخابات دلائل محکمی پیدا کنند میگویند اینها تحریر شده ماشاءالله خان هستند و هر دو طرف برای پیشرفت مقصود خودشان از بدی ماشاءالله خان استفاده میکنند در صورتی که حقیقت امر اینست که بواسطه ماشاءالله خان ممکن است واقعاً هر دو طرف راست گفته باشند و واقعاً همین طور که حاکم کاشان مدعی است ماشاءالله خان در مراحل اول یا شاید در سایر مراحل هیچ مداخله نداشته منتهی چنانکه عرض کردم مخالف و موافق میخواهند از بدی ماشاءالله خان استفاده کنند و اسم او را به انتخابات به چسباند که بواسطه بدی نایب حسین و ماشاءالله خان آن انتخابات را باطل کنند ولی این دلائل کافی نیست که مجلس شورای ملی بخواند صحت نمایندگی یک نماینده را باین دلائل ضعیف و کوچک مورد تردید قرار دهنده ولی انحصوس آقای حاج شیخ اسدالله خودشان مطلع اند که با رأی به صحت نمایندگی آقا سید حسن صحت جریان انتخابات کاشان را تصدیق کرده است لذا بنده تصور میکنم در این باب مذاکره هم برخلاف رأی مجلس خواهد بود

رئیس - آقای مدرس اجازه نطق

مدرس - خیلی متأسفم که با مغیر بودن آقای سردار معظم که بگانه ناطق مجلس شورای ملی هستند بنده لایدم صحبت نمایم بنده داخل در مسئله سیاست و صلاحیت و نظایرها و کنفرانسهایی که در موقع انتخابات در کاشان داده شده نیستیم لیکن در مسئله انتخابات مطونات خود را متعلق بکاشان رها کرده و مقولوعات را به نظر میگیرم اولاً مسئله اساسی که آقای سردار معظم نسبت به تفکیک انتخابات فرمودند این مسئله ایست که همیشه محل ابتلائی دوره های سابق هم بوده و حالا همست بعد از این هم خواهد بود در موقع انتخابات در تهران هم دیده اند که جمعیت های حزبی یا غیر حزبی کاندید های خودشان را نوشته و بدووازا می چسباند اول میبوشند آقای مشیرالدوله آقای موتمن الملک و یک چند نفر از اشخاصی که وجهه ملی دارند بعد پهلوی قطار میگردند اشخاصی را که بدی هر کدام حسن صدام مثل مشیرالدوله و مؤمن الملک را از میان می برد و البته همه اطلاع دارند که غالباً در همه جا انتخابات همیتطور است آقای آقا میرزا سید حسن مردی است خانواده البته آقای جلیل الملک هم مردی موقر و محترمند و خلی مسئله ندارد مذاکرات مجلس سیاسی است مسئله شخصی

نیست البته من هم اگر بخوانم از کاشان منتخب بشوم چون بنده غریب هستم و آقا میرزا سید حسن اهل آنجا هستند با ایشان میسازم تا ماشاءالله برکت ایشان و یک قدری هم بکلمه همشیره زاده امین مالیه انتخابات درست شود مگر آقا از یک امین مالیه مذاکره میفرمایند خیر خدا رحمت کند آقای و نوق - الدوله بودند و خیلی هم در این انتخابات مصر بودند و اصل و منشاه این مسئله ایشان بودند لکن نظریات آقای سردار معظم را بنده تصدیق میکنم که یک نماینده نباید شکایات بی اساسی را مورد توجه قرار دهد و نباید در این دوره به شکایات جزئی که قابل اصلاح است اهمیت داد ولی اهمیت دادن ما راجع به اختیاری یا غیراختیاری بودن انتخاب است هر چیزی قابل مسامحه است الا اینکه انتخاب کننده اختیار نداشته باشد این دیگر قابل مسامحه نیست کاشان و نظرات هم جای خیلی دوری نیست فرموده آقای سردار معظم یک مامورین آراء آنجا را هم توقیف نموده اند و باید نه از طرف دولت و نه از طرف شعبه و نه از جای دیگر دلیلی جهت توقیف و برداشتن توقیف ذکر نشده این شکایت از همه جا میشود اما توقیف آراء که در کاشان شده یک سبب اساسی داشته است که دولت توقیف کرده حالا باید فهمید دولت یا وزارت داخله چرا توقیف کرده است من موافقم باشم که دولت هم حق ندارد انتخابات را توقیف کند ولی حالا که توقیف کرده است آیا سبب چه بوده رسیدن تلگراف سبب توقیف نمیشود بنده هم طرف متعارفه بعضی تلگرافات بوده ام بقدری فشار آورده اند که مردم نظرات قادر بر اینکه از همانجا تلگراف بکنند نشده و به اردستان که نمیدانم هشت یا نه یا چند فرسخ است رفته و از آنجا شکایت کرده اند عرض کردم مسئله سیاست را کنار گذاریم مسئله جریان انتخابات ضلعی از مملکت است که در عرض چندماه مشغول بوده اند و شکایات زیادی شده دولت هم در این مسئله تحقیقاتی نکرده و بنده اساساً میگویم یک ضلعی که اینهمه شکایات مکرره اند مناسب است مجلس شورای ملی تحقیق بکنند که واقعاً مردم در تحت فشار بوده اند یا خیر چرا برای اینکه بمجرده تلگراف نمیشود صحت و سقم مطلب را فهمید باید تحقیق کرد و فهمید که مردم در تحت فشار بوده اند و این انتخاب را کرده اند یا در تحت فشار نبوده اند و حاکم بین مادر (من و مغیر شعبه آقای سردار معظم) خود آقای جلیل الملک خواهد بود بجهت اینکه ایشان هم اطلاعاتشان از من زیادتر است و هم از آقای سردار معظم و عقیده من این است که مجلس شورای ملی اگر صلاح بداند این مسئله باین بزرگی را اهمیت بدهند و تحقیقات کافی بکنند و رجوع به کمیسیون تحقیق نمایند و اگر هم صلاح ندانند و اکثریت هم رأی دهد ما مضایقه نداریم که در اقلیت بناییم و اما اینکه آقا میفرمایند که کاندیدها شکایت میکنند خوب است معرفی بکنند که در انتخابات

نظرات کاندیدها که بوده که رأی مهمی داشته باشد در انتخابات همه جا کسانی هستند که صدای درست رأی پانصد رأی کمتر یا بیشتر دارند ولی در نظرات کاندیدهای که پنج رأی شایسته باشد مثل کدخدایا یا پسرش یا نوکرش باشد ولی اهمیتی ندارد اما کسانیکه شکایتشان از روی کاندیدی باشد در آنجا نیست و فقط بواسطه صدماتی که بوده که بآنها وارد می شده این معلومات بنده است حالا اگر مجلس شورای ملی صلاح بداند موقوف بفرماید به کمیسیون تحقیق و اگر هم لازم بداند یک نماینده معین شود و به محل برود و تحقیق کند و اقاً مردم بداند مجلس شورای ملی در صدد تحقیق برآمده است و اگر هم نمی خواهند رأی بدهند بنده هم در اقلیت خواهم ماند و آقای جلیل الملک هم هیچ - آوردگی نباید داشته باشند چون کار راجع به انتخابات است و مسئله قانون و مسئله اساسی مسئله شخصی نیست

رئیس - آقای تدین موافق هستید با راپورت

آقا سید محمد تقی - بله موافقم

رئیس - بفرمائید (اجازه نطق)

تدین - از جمله فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله راجع به اعتراض به جریان انتخابات این بود که امین مالیه یک نفر از منسوبین آقای جلیل الملک بوده است و نسبت او موجب شده است برای ایشان اعمال نفوذ بکند اگر چه در این زمینه آقای سردار معظم بطور مبسوط مذاکره کرده اند ولی بنده لازم میدانم آقای حاج شیخ اسدالله را متذکر کنم که یک بیانی که نظیرش را در چند جلسه قبل در موقع مدافعه از راپورت کرمانشاهان میفرمودند از جمله اعتراضاتی که می شد این بود که برادر منتخب در کرمانشاهان حاکم بوده و اعمال نفوذ کرده و ایشان دفاع کردند که قانون برادر منتخب را هیچوجه منع نکرده از اینکه دخالت بکند و این دلیل نمیشود

حاج شیخ اسدالله - همچو چیزی نیست

تدین - شاید این طور بوده است که حرف بودن برادر منتخب در یک محلی حاکم دلیل اینکه او اعمال نفوذ کرده است نمیشود بنده همین دلیل عرض کردم به حرف اینکه یک نفر منسوب منتخب کاشان امین مالیه باشد دلیل نمیشود که اعمال نفوذ کرده باشد ولی قسمت عمده اعتراضات راجع است به چند چیز یکی دخالت ماشاءالله خان در امر انتخابات و بنده در این زمینه اطلاعات خارجی دارم و قبل از اینکه اطلاعات خارجی خودم را عرض کنم آقایان را تذکر میدهم به چند سطر از راپورت شعبه اولاً حکومت میبوسد که در مراحل اول ماشاءالله خان در امر انتخابات بیطرف بود و بواسطه عدم مداخله از شهر خارج شده و در مراحل ثانی او را مخالف معرفی نمیداد یعنی حکومت اطلاع میداد که در مرحله دوم مخالف با انتخاب بوده از این اظهار حکومت معلوم میشود یک حال تردیدی برای ماشاءالله خان حاصل شده که یک وقت موافق

و یک وقت مخالف بود بعد میگوید بعضی از شکایات کنندگان از انتخابات کتباً اظهار میدارند که مخالفت آنها با انتخابات مطابق دستور العمل ماشاءالله خان بوده و مشارالیه برای بدست دادن مدارک برای مخالفین انتخابات توصیه هایی در انتخاب کردن نمایندگان فعلی کاشان خواهد نمود این صریح است که اشخاصیکه شکایت میکنند از انتخابات اظهار میکنند که مخالفت آنها با انتخابات موافق دستور ماشاءالله خان است و حال آنکه در مقابل عده دیگری هستند که عکس آنرا میگویند و البته این هر دو با هم معارضه میکنند و ترتیب اتزی باین دو فقره داده نخواهد شد اما اطلاعاتی که بنده دارم آنست که در بدو امر یعنی موقع شروع با انتخابات کاشان ماشاءالله خان برای اینکه هر دو دسته را از خودش راضی کند یعنی دسته موافق و مخالف با انتخابات کاشان را از نقطه نظر منتخبین فعلی باین معنی که جمعی عقیدشان این بود که منتخب کاشان آقا میرزا سید حسن و آقای جلیل الملک باشند و جمعی دیگر عقیدشان غیر از این بود و دوفتر دیگر را که اسم نمیبور میخواستند انتخاب بشوند این اختلاف محلی موجب شده است که ماشاءالله خان بواسطه آن اخلاقی که داشته است و همیشه در این قسم مواقع میخواست است طرفین را از خود راضی بدارد بهر دو دسته می گفته است باشما موافقم باین جهت است که هر دو دسته متمسک بشو و میشوند مخالفین یعنی ناراضی ها میگویند ماشاءالله خان تهدید کرده و موافق با آن دسته است و آن دسته دیگر میگویند ماشاءالله خان موافق با آن دسته بوده است در اوایل امرواحات روحیه ماشاءالله خان اینطور بوده است وای در اواخر حالت او تغییر کرده و یک طرفی شد باین معنی که مخالف با انتخابات شد از نقطه نظر انتخاب این دو نفر منتخب بدلیل اینکه بعد از آنکه انتخابات کاشان از توقیف خارج شد و شروع بقرائت آراء گردید این قرائت آراء مصادف شد با موقعیکه از طرف دولت در همین بهارستان شروع به گردن پارتی برای خرق زدگان آمل شده در همین وقت تلگراف رمزی از ماشاءالله خان برای شاهزاده

شاه زاده باو دستور داده است بنده در اینجا باشاهزاده صادم الدوله داخل مذاکره شده عرض کردم آقا این اقدام شما برخلاف قانون است اگر مقصود شما و ماشاءالله خان این است که فلان زید انتخاب بشود و الان احساس کرده است که او اکثریت ندارد قدرت و اقتدار از شما باقی است و آن شخص محترم که منطوق شما است اختصاص ندارد که از کاشان انتخاب بشود ممکن است از جای دیگر انتخاب بشود بنده برای اینکه ابداً بمغیراوم وارد شخصیات بشوم هیچ لازم نمیدانم اسم ببرم همین قدر عرض میکنم که بنده و چند نفر از رفقا با حضور آقای نصرت الدوله در همین بهارستان از شاهزاده صادم الدوله خواش کردیم که به ماشاءالله خان تلگراف کنند که شما در عمل انتخابات مداخله نکنید در اینجا تلگراف را با خط لاتین نوشته و فرستاده شد که باسم کمیانی مغایره نمائید دیگر بنده درست اطلاع ندارم که تلگراف به ماشاءالله خان رسید و او صرف نظر کرد و شروع به قرائت آراء شد یاخیر از این اطلاعاتی که بنده دارم هیچ قابل تردید نیست که ماشاءالله خان در مرحله اخیر مخالف با انتخاب بوده است از نقطه نظر منتخب نه از نقطه نظر جریان انتخابات و حاضر هستم اسناد خود را در این خصوص ارائه بسم و اینکه آقای مدرس فرمودند بیشتر مطالب طرف توجه و مقولوعاتشان راجع به نظرات است و در این باب چند دلیل اقامه کردند بنده دوفقره از آنها را در نظر دارم یکی اینکه فرمودند اهالی نظرات باندازه در فشار بوده اند که در چند فرسخی رفته و از آنجا تلگراف کرده اند و نتوانسته اند در محل خودشان تلگراف کنند البته تصدیق میفرمائید که هر کس از جریان امور اجتماعی اطلاع داشته باشد نمی تواند این را مأمود و منکر قرار دهد بجهت اینکه اشخاصی که میخواهند شکایت کنند قطعاً متمسک باینگونه عملیات میشوند و برای اینکه و انمود نمایند که کاملاً آزاد نبوده ایم و در تحت فشار بوده ایم نتوانسته ایم از کمز مغایره به طهران کنیم مجبور شدیم از آنزده فرسخی تلگراف کنیم خیر این طور نیست و همچنین تلگراف و مغایره باسم کمیانی هم دلیل نمیشود مدعی برای واتنود کردن در انظار که من مجبور بودم و تلگراف در تحت سانسور بود لکن باسم کمیانی مغایره کردم این کار را میکنند دیگر اینکه فرمودند غیر از این دوفتر منتخب کسی دیگر رأی مهمی نداشته مگر چهار پنج الی ده رأی بنده عرض میکنم مطابق اطلاعات کاملی که بنده دارم غیر از این دوفتر اشخاص دیگری هم در آنجا بوده و رأی داشته اند من جمله کسی بوده که یکصد و پنجاه رأی داشته بنابراین دلیل ایشان بنده را قانع نمیکند زیرا این مقدار رأی نسبت به مجموع آراء نظرات خیلی مهم و قابل اهمیت است و باین قاعده اهالی نظرات در تحت فشار نبوده و آن یک نفر را هم بنده عجلاناً لازم نمیدانم اسم ببرم و موافق اطلاعات اسناد خودم میگویم که ماشاءالله خان بر ضد انتخابات بوده

و در خانه عرض می کنم که ما شاء الله خان مغالف بوده و بهیچوجه داخل تهدید و تطمیع نسبت به این دوفتر منتخب نبوده بلکه اقداماتی کرده که این دوفتر انتخاب نشوند علاوه بر این اطلاعات دیگر هم دارم که اگر مقتضی باشد بعد عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای شیخ الاسلام با این راپورت مخالفید یا موافق ؟

شیخ الاسلام - مخالف هستم با يك فقره فرمایشات آقای مخبر والا مخالفی ندارم.

رئیس - شاهزاده نصرت الدوله پیشنهادی کرده اند که ده دقیقه تنفس شود.

(گفتند بسیار خوب)

در این وقت نمایندگان برای تنفس خارج و پس از ربع ساعت جلسه تشکیل گردید.

رئیس - راجع به آقای جلیل الملك مذاکرات را آقایان کافی میدانند یا خیر ؟

حاج شیخ اسلام الله - بنده پیشنهادی دارم و آن این است که این راپورت برود به کمیسویی که قبلاً راجع به آقای آقامیرزا طاهر تنکابنی رای داد که يك دفعه دیگر تحقیقاتی بشود و نظراتشان را به مجلس پیشنهاد کنند اگر این پیشنهاد را آقایان موافقت کردند قضا و اگر نکردند بنده در جواب آقای مخبر که دفاع کرده اند عرایضی دارم که باید عرض کنم.

رئیس - خاطر شریف مستحضراست تا مذاکرات ختم نشود پیشنهاد عارفات نمیشود اول باید مذاکرات را کافی بدانند آنوقت پیشنهادها قرائت شود (گفتند صحیح است) رای میگیریم باینکه مذاکرات کافی است یا خیر ؟

آقایان باینکه مذاکرات را کافی میدانند یا نمیدانند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای حاج شیخ اسلام الله قرائت میشود.

آقای مستشار السلطنه پیشنهاد مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

این جانب پیشنهاد میکنم که این مسئله هم در کمیسویی که برای تحقیق انتخابات تنکابنی تشکیل میشود مراجعه بشود شیخ اسلام الله معلاتی

رئیس - آقای حاج شیخ اسلام الله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسلام الله - اگر چه مجلس و اکثریت آقایان کافی بودن مذاکرات را متأسفانه

رای دادند بنده راجع به پیشنهاد خودم از آقایان تقاضا میکنم که چون در اینجا راجع به علمسانی که در کاشان از طرف امین مالیه و ما شاء الله خان بعمل آمده مذاکراتی شد همین اندازه اکثریت با

بنده موافقت کند که اعتبارنامه به کمیسیون برود و در آنجا تحقیقات عمیق تری بکنند که رای آقایان از روی بصیرت باشد و بی طرفی آقایان مدلل بدارد و

معنوم شود که ما هیچ نظری در انتخابات نداریم مگر صحت و سقم آن این است که این پیشنهاد را عرض

بکنم دیگر بسته به نظریات مجلس است
سردار معظم خراسانی - در کافی بودن و نبودن مذاکرات آقایان دیدند بنده رای ندادم و با آقای حاج شیخ اسلام الله هم عقیده هستم که باید مذاکرات فوری ادامه داده شود اما راجع به پیشنهاد آقای حاج شیخ اسلام الله بنده در هیچ صورتی نمیتوانم موافقت بکنم زیرا يك کمیسیون خاصی که هنوز منعقد نشده دارد قیافه کمیسیون تحقیق انتخابات را به خودش میگیرد و قضیه را باید فوری دقت بکنم اگر مقصود تشکیل کمیسیون تحقیق انتخابات است با قرعه نمیشود معین کرد از يك نقطه نظر تحقیقی باید معین کرد اما قضیه کمیسویی که امروز راجع به شاهزاده محمد هاشم میرزا و آقای تنکابنی معین شده يك کمیسیون حکمت مابین دوفتر است از نقطه نظری که مسئله انتخابات کاشان دم به آنجا رجوع شود نیست بنده کاملاً با لزوم مذاکرات که در زمینه صحت و عدم صحت انتخابات مخصوصاً از نقطه نظر جریان انتخابات باید در مجلس بشود موافقت دارم بهمین جهت هم بود که مدتی مذاکرات را کافی نمیدانستم و استدعا داشتم که مذاکرات ادامه شود ولو به جلسه بعد هم نکشید حالا متأسفانه اکثریت مجلس عقیده مرا از میان برد اما باید در کجا این مسئله تحقیق شود در شعبه یا در کمیسیون خاصی که برای يك کار خاصی معین میشود البته يك کمیسویی که برای حکمت مابین محمد هاشم میرزا و تنکابنی تشکیل میشود آهم بحکم قرعه همه آقایان حتی پیشنهاد کنند هم تصدیق خواهد کرد که این کمیسیون مقتضی نیست و صلاحیت رسیدگی را هم ندارد.

رئیس - آقای حاج آقا (اجازه نطق)

حاج آقا - بنده کاملاً با مخبر موافقم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسلام الله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسلام الله - پیشنهاد بنده را اکثر آقایان درست ملاحظه فرمایند بنده عرض نکردم کمیسیون تحقیق که آنوقت آقای مخبر این فرمایشات را بفرمایند بنده این مطلب و این فرمایشات آقای

سردار معظم را نمیتوانم تصدیق بکنم که اختیارات مجلس را محدود بدارم از چه نقطه نظر مجلس شورای

ملی رای میدهد که راجع به انتخابات میرزا طاهر تنکابنی کمیسیون تشکیل بشود و رسیدگی بعمل آید مجلس در هر دقیقه و در هر موقع می تواند

کمیسویی برای رسیدگی معین بکند مراجعه به نظامنامه بفرمائید قانون این اجازه را به مجلس داده است بنده بنام رسیدگی و بنام تحقیقاتی که باید در

مسئله بشود پیشنهادی کردم و مجدداً عرض میکنم که اکثریت مجلس نظریات بنده را قطع کرد و امر بسکوت نمود آخر يك تحقیقاتی باید در باب انتخابات

و اظهاراتی که بنده نموده ام بعمل آید و مجلس شورای ملی حق دارد چنین کمیسویی تشکیل نماید

این خلاف قانون نیست مثل اینکه کلبه مجلس پنج دقیقه پیش رای بکمیسیون داد بطور آن خلاف

قانون نبوده در این موضوع خلاف قانون شد بنده برای سهولت عرض کردم بهمان کمیسیون رجوع بشود اگر بفرمائید آن کمیسیون نمی شود بنده پیشنهاد میکنم که يك کمیسیون دیگری تشکیل و رسیدگی شود.
سردار معظم - بنده خیال میکنم که فارسی خیلی ساده عرض میکنم و اینهمه اخلاف نظر گمان نمیکردم که مابین بنده و حاج شیخ اسلام الله بشود چون فرمودند کی من گفتم که يك کمیسیون تحقیق معین شود من هم عرض میکنم اگر بفرمودید من با شما موافقت میکنم کی من گفتم مجلس این اختیار را ندارد که يك همچو کمیسویی معین کند فقط چیزیکه گفتم این است که چون پیشنهاد فرمودید که مسئله انتخابات کاشان رجوع بشود بهمان کمیسویی که برای حل مذاکرات بین محمد هاشم میرزا و تنکابنی معین شده من عرض این بود که آن کمیسیون صلاحیت رسیدگی باین کار را ندارد (تصدیق نمودند) هیچ هم منکر نشدم که نباید تحقیق کرد هیچ هم منکر نشدم که کمیسیون تحقیق نباید معین شود گو اینکه کمیسیون تحقیق وظیفه اش غیر از رسیدگی باینکه کاشان است زیرا که در باب انتخابات کاشان کمیسویی که صلاحیت تجدید نظر و دقت را داشته باشد شعبه است کمیسیون تحقیقی که در نظامنامه پیش بینی شده برای این قبیل انتخابات نیست برای انتخابات نا تمام از قبیل آذربایجان است آهم نه بالصراحه نظامنامه داخلی اینطور هم نگفته است در یکی از موارد که تکلیف کمیسیونها را معین میکند اشاره میکند و میگوید به استثنای کمیسیون تحقیق انتخابات پس بطور کلی و غیر مستقیم نظامنامه به تشکیل يك کمیسیون تحقیق انتخابیه منعقد شده است ما سابق این کمیسیون را در مجلس نداشتم حالا اگر بخواهید ایجاد کنید من هم موافقم ولی چیزی که هست کمیسیون تحقیق انتخابات را نمی شود بقرعه معین کرد حالا چون يك کمیسویی برای حکمت مابین تنکابنی و شاهزاده محمد هاشم میرزا معین شده است بنابر این هر مطلبی که پیش میآید باید آنجا برود این را بنده مخالفت میکنم و اولاً منکر کمیسیون هستم و نه منکر اختیار مجلس بلکه برعکس معتقدم و التکرار کلمه متأسفانه درجه تأسف من کاسته نخواهد شد.

رئیس - يك پیشنهاد دیگری آقای مدرس فرمودند قرائت میشود شاید آقای حاج شیخ اسلام الله هم با این پیشنهاد موافق بشوند.

آقای مستشار السلطنه پیشنهاد را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

پیشنهاد میکنم راجع شود به کمیسیون تحقیقی که بعد از رسمیت تشکیل میشود مدرس

رئیس - (خطاب به حاج شیخ اسلام الله) با این پیشنهاد موافق هستید ؟

حاج شیخ اسلام الله - اگر مجلس رای میدهد چرا

رئیس - چون آقای حاج شیخ اسلام الله پیشنهاد خود را مسترد نکردند در موضوع پیشنهاد خودشان باید مذاکره شود.

حاج شیخ اسلام الله - بنده هم قبول کردم پیشنهاد آقای مدرس را.
رئیس - قبول کردید ؟
حاج شیخ اسلام الله - بلی.
مدرس - توضیح بدهم
رئیس - میخواهد توضیح بدهد ؟
مدرس - بلی. همانطوریکه سردار معظم فرمودند در نظامنامه داخلی يك کمیسیون تحقیق انتخاباتی هست چون در دوره های پیش هم سابقه ندارد و وظائف را مفصلاً در نظامنامه ننوشته اند همین قدر معلوم میشود که مجلس يك کمیسیون تحقیق انتخاباتی میتواند تشکیل بدهد اما اینکه فرمودند وظیفه او از جهت رسیدگی باینکه انتخابات نا تمام است در نظامنامه هیچ مطلبی ندارد اجمالاً کمیسیون تحقیق انتخابات است ممکن است وظیفه او معین نشود برای رسیدگی باینکه انتخابات یا انتخاباتی که بعضی تحقیقات لازم دارد و شعبه اعزّه آن بر نمیآید که این که عقیده بنده این است که در بعضی مواقع هم که اشکالات زیاد باشد مخصوصاً باینکه نفر شخص امین در محل برود و تحقیقات بکند والا به تلگراف و کاغذ رفع اشکالات نمیشود ممکن است کمیسویی را که مجلس معین میکند انتخابات آذربایجان را بآنجا رجوع کند بعضی انتخابات دیگر هم رجوع شود هیچ مانعی ندارد و اگر واقعاً آن کمیسیون مسئله را مشکل دید و نتوانست آنرا حل کند از اینجا تا نطنز و کاشان آنقدر مسافتی ندارد ممکن است يك شخص امین معین بکند برود به بیند این مطالب که مذاکره شده صحت دارد یا نه پس وظیفه کمیسیون هنوز معلوم نیست اگر آقایان صلاح بدانند و بخواهند رفع اشکال از آنها بشود این انتخاب رجوع بکمیسیون تحقیق انتخابات بشود تا به انتخابات آذربایجان و قزوین و قزوین و جای دیگر و امثال آنها تحقیق و رسیدگی کنند واقعاً اگر رسیدگی شد و معلوم گردید که این مذاکرات صحت ندارد بنده هم موافق با آقایان می شوم والا اگر گفتند که اشکال دارد و قبول کردند آنها باما موافق بشوند والا مانع قانونی ندارد و بگذارند تا ما خوب مطالب را کاملاً تحقیق بکنیم و از روی بصیرت رای بدیم عقیده ما نیز این است که انتخابات آنجا اشکال دارد و بعضی آقایان عقیده شان نیز این که اشکالاتی ندارد کمیسیون به بیند واقع مسئله چیست این تقاضای بنده است.

رئیس - آقای حاج آقا مخالف هستید ؟

حاج آقا - بلی. بنده در موقع مذاکرات آقای مدرس در مجلس نبودم و اشکالات ایشان را

نشنیدم ولی اصولاً و اساساً راجع به تشکیل کمیسیون باین ترتیب برای رسیدگی باینکه انتخابات بکلی مخالف هستم نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی يك ترتیب برای انتخابات تعیین می کند نظامنامه انتخابات

مسلم يك ترتیبی برای جریان انتخابات تعیین میکند و مجلس شورای ملی را بالاخره حکم آخر قرارداد شده تصور میکنم چنانچه برای هر کسی که در جریان انتخاب یکی از آقایان نمایندگان اشکالی پیدا میشود

برای تحقیق این مطلب که حق یا با معترض است یا با معترض نیست بتواند تقاضای تشکیل کمیسیون میکند این سابقه در مجلس تولید بشود هیچوقت مجلس ما مدت مدیدی از ازل افتتاح نمیتواند موفق بشود باینکه ترتیب گذشته اعتبارنامه ها را انجام دهد برای اینست که هر کس اعتراضاتی داشته باشد فوراً اعتراضات و ثبوت آن را به کمیسیون رجوع می کند ولو اینکه آن کمیسیون کمیسیون تحقیق باشد یا کمیسیون تحقیق نباشد و آن کمیسیون يك مفهوم حقیقی ندارد بنده عرض می کنم هر چه تحقیق در امر انتخابات میخواهند بکنند ولی از مجری نظامنامه بیرون نروند در نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی موضوع اینست که شعبه باید رسیدگی به شکایات و تمام ترتیبات جریان انتخابات بکند شعبه مواظب این کار است و برای همین تشکیل میشود شعبه وقتی که شروع کرد بر رسیدگی اعتراضات اطراف را باید گوش بدهد و حکم کند و همچنین اگر یکی از اعضاء مجلس شورای ملی اعتراضی دارد همانطوریکه يك نفر شاکی از اطراف اعتراض دارد شکایت خود را بشعبه می کند و شعبه رسیدگی می کند يك نفر معترض محترم باید به شعبه برود و اعتراض خود را در شعبه که مرجع این کار است بگوید نه اینست که بعد از اینکه از شعبه راپورت آمد آنوقت در مجلس شورای ملی شروع کنند به اعتراض و آنوقت تقاضای تشکیل کمیسیون بکنند بنده عقیده ام این است که باید به شعبه برگردد و شعبه بوظیفه خود رسیدگی کند و رای خودش را پس از اعتراض معترض مجلس شورای ملی عرضه بدارد و مجلس به ترتیب حکمت خودش قیام و اقدام کند والا هر اعتراضی را يك کمیسیون برای آن مرتب کردن بکلی خارج از نظامنامه است و بنده آن ماده را هم که در نظامنامه راجع به کمیسیون تحقیق انتخابات ذکر کرده است آن را يك کمیسیون علیحده تصور نمی کنم.

سردار معظم - از آقای مدرس بنده سؤال می کنم اگر بنده راپورت را پس بگیرم که آقای مدرس و آقای حاج شیخ اسلام الله تشریف بیاورند در شعبه دوسه انتخابات را ملاحظه کنند آقای مدرس هم مخالفت خودشان را مسترد خواهند فرمود یا نه ؟

مدرس - بنده آن راپورتی را که دادید خواندم و تلگراف بجهت تحقیق این مسئله کافی نمیدانم برای این مسئله باید يك یاد دوفتر شخص امین تعیین کرد که بروند از اول خاک کاشان تا آخر آن تحقیق کنند به بیند این انتخاب از روی يك سیاست فاسدی و يك فشار فاسدی بوده یا نه ؟ بنده رفیع این اشکال را باین ترتیب می بینم و شعبه راپورتی که داده فقط از روی تلگرافات است عرض کردم تلگراف

فائده ندارد همچنانکه آقای حاج آقا فرمودند این يك مسئله مشکلی است که شعبه نتوانسته است حل کند و باید به کمیسیون رجوع شود که کاملاً مطلب معلوم شود لهذا بنده پیشنهاد را پس نمی گیرم و باید یا

رجوع به کمیسیون کنند یا رای بدهند وقتی کرای دادند دیگر ما تکلیفی نداریم.
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالف هستند ؟
محمد هاشم میرزا - بلی در باب کمیسیون تحقیق انتخابات گمان می کنم آقای مخبر فراموش فرموده اند در ۱۳۲۹ کمیسیون تحقیق انتخابات تعیین و همان نظامنامه انتخابات حالیه بآنجا رجوع شد بنده و خود آقای مخبر هم عضویت داشتیم راجع به اعتبارنامه ها وظائف کمیسیون بهیچوجه در نظامنامه معین نیست و فقط اگر افاضات کمیسیون تحقیق را بخواهند برای تمام جزئیات و فی و کافی بدانند مطلبی است علیحده و اینکه آقای مدرس پیشنهاد میفرمایند به کمیسیون تحقیق انتخابات رجوع شود بعقیده بنده دور لازم می آید برای اینکه کمیسیون تحقیق مطابق نظامنامه باید بعد از رسمیت یافتن مجلس یعنی گذشتن ۳ ربع از اعتبارنامه باشد و اگر تحقیق در اعتبار نامه ها را و کول به کمیسیون تحقیق انتخابات کنیم چون ممکن است در هر يك از اعتبارنامه ها این تقاضا بشود بالاخره دور لازم آمده و مجلس منعقد نخواهد شد چون این قاعده تحقیق در امر اعتبارنامه موقوف میشود به تشکیل کمیسیون تحقیق انتخابات و کمیسیون تحقیق انتخابات موقوف است به گذشتن ۳ ربع از اعتبار نامه بنابر این اگر آقای مدرس کمیسیون دیگری را غیر از کمیسیون تحقیق انتخابات تقاضا کنند بنده مسلم موافقت خواهم کرد.

سردار معظم - آنقدری را که راجع به بنده بیان فرمودند عرض خود را تکرار می کنم اینطور نیست که فرمودید بنده فراموش نکردم ام نظامنامه را داخلی را ابتدای مجلس دوم نوشته شد کمیسویی که بنده و ایشان عضو آن بودیم و قانون انتخابات حالیه را نوشت و هیچ مربوط به کمیسیون تحقیق انتخابات نیست.

محمد هاشم میرزا - اگر آقای مخبر فراموش کرده اند ممکن است به صورت مجلس های سابق رجوع کنند تا به بیند حق با ک است دلیلش هم این است که بنده در همان کمیسیون عضویت داشتم درحالی که در دو کمیسیون دیگر اسم عضو بودم و چون این کمیسیون کمیسیون تحقیق بود منافات با دو کمیسیون دیگر نداشت والا يك نماینده در پیش از دو کمیسیون نمیتواند عضویت داشته باشد.

رئیس - گمان میکنم که مذاکرات در باب این پیشنهاد کافی باشد.

اول رای می گیریم به پیشنهاد آقای مدرس تقاضا کرده اند که این امر رجوع شود به کمیسیون تحقیق که بعد از رسمیت مجلس تشکیل خواهد شد آقایان که این پیشنهاد را تصویب مینمایند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - (تصویب نشد) رای می گیریم به راپورت شعبه (در این موقع سردار معظم کردستانی خواستند از مجلس خارج شوند) رئیس تشریف ببرد اکثریت حاصل نمیشود.

از طرف ۱۵ نفر از آقایان پیشنهاد شد رای مخفی گرفته شود .
آقای مستشار السلطنة پیشنهاد را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم که در مورد انتخبات آقای جلیل الملك رای مخفی اخذ نشود .
شیخ اسدالله مجلاتی - رئیس التجار - صدر الاسلام میرزا هاشم آشتیانی - احتشام الدوله - مدرس - امیر - اعلم - امین الشریعه - مؤتمن السلطنة - عماد السلطنة خراسانی - عماد السلطنة طباطبائی - شیخ الاسلام - فحیم الملك - سردار معظم کردستانی - امین التجار .
رئیس - شروع باخذ رای میشود آقایانیکه قبول می کنند مهره سفید و آقایانیکه رد میفرمایند مهره سیاه خواهند داد آقایان مستشار السلطنة - عماد السلطنة - غضنفر خان شروع به شماره مهره های رای نموده و نتیجه اینطور حاصل شد : مهره سفید ۳۷ مهره سیاه ۱۵ .

رئیس - به اکثریت ۳۷ رای در مقابل ۱۵ رای تصویب شد چند نفر هم امتناع کردند .

حاج آقا - بنده عرضی دارم .
رئیس - بفرمائید .

حاج آقا - بنده لازم میدانم حالا بعد از گذشتن این منصب در قضیه نظامنامه داخلی يك مطلبی که به تمام آقایان هم مربوط است توضیح بدهم .
رئیس - راجع به چه مسئله میخواهید توضیح بدهید .

حاج آقا - راجع به يك ماده نظامنامه که در کمیسیون تحقیق انتخبات در آن ذکر شده .

رئیس - این را در موقع خودش ممکن است مطرح فرمائید .
حاج آقا - این ماده را بنده میخواستم توضیح بدهم موقع را تعیین فرمائید بنده باید این ماده را توضیح بدهم .

رئیس - خیلی خوب هر وقت کمیسیون تحقیق انتخبات مورد بحث شد آن وقت بفرمائید .
اسامی شش نفر برای کمیسیونی که آقای محمداشام میرزا پیشنهاد نموده اند استعرا می شود . آقای مستشار السلطنة شروع باستعرا نموده و آقایان ذیل معین شدند :

عبد السلطنة - سلیمان میرزا - آقا میرزا علی کازرانی - حاج آقای شبرازی - غضنفر خان بیان الملك .

حاج آقا - بنده مستعفی هستم يك نفر دیگر را تعیین بفرمائید مجدداً استعرا شد آقای شیخ العراقرین زاده معین شدند .

عبد السلطنة - بنده هم مستعفی هستم .

شیخ العراقرین زاده - اجازه بفرمائید ؟
رئیس - میخواهید استعفا بدهید .

شیخ العراقرین زاده - بلی بنده مستعفی هستم .
رئیس - اینطور قرعه معنی ندارد اگر هم

استعفاء بدهند میرسد يك شش نفری که شاید قرعه باسم آنها در نمی آید (تصدیق نمودند) بنده گمان می کنم که استعفاي آقایان نباید قبول بشود اغلب تصدیق نمودند .

حاج آقا - بنده هر طور امر بفرمائید اطاعت می کنم ولی نظامنامه این حق را بداداده است .
سردار معظم - در قرعه خیر .

رئیس - اسامی شش نفر آقایان از این قرار است عبد السلطنة - سلیمان میرزا - بیان الملك - غضنفر خان - آقامیرزا علی کازرانی - حاج آقا .
رئیس - آقای سلیمان میرزا مطلبی داشتید بفرمائید .

سلیمان میرزا - آقایان فراموش نفرموده اید در دروسه جلسه قبل با وجود تذکر بنظامنامه داخلی که موقع سؤال نیست ولی به نسبت اهمیت مطلب راجع باقدماتی که در اصفهان شده بود و صدمه که بناموس يك نفر ایرانی وارد شده بود بنده شرحی عرض کردم و آقایان هم موافقت کردند که شرحی در این باب بهیئت دولت نوشته شود امروز هم يك مطلب دیگر از این قبیل دارم البته آقایان مطلع هستند و محتاج به تذکار نیست خدماتی را که اهالی آذربایجان در راه مشروطیت و استقلال واقعی این مملکت کرده اند اهالی آذربایجان اولین اشخاصی هستند که مقدم باین بوده اند و البته تمام اهالی رهین منت اهالی آذربایجان در گرفتن مشروطیت واستقرار این امر خیر هستند البته سایر نقاط مختلفه مملکت هم آغوشی که توانسته اند اقدام کرده اند ولی اهالی آذربایجان همیشه درجه اول را داشته اند (بیچاره اهالی آذربایجان) هر قدر حسیات خودشان را نسبت باستقلال مملکت در استحكام اساس مشروطیت بخرج داده اند بهمان اندازه هم دچار زحمات و صدمات از قبیل قتل و غارت ها بوده اند از اذدوره اول و دوم همیشه دچار این زحمات و صدمات بوده اند امروز هم متأسفانه دچار فشاراتی هستند که تحمل ناپذیر است و بریدیچ يك از آقایان مستور و پوشیده نیست که در ایام فترت چه صدمات بيك قسمت مهم آذربایجان ارومیه و خوی و سایر نقاط آن رسیده رفته اند بیچاره آذربایجان و بیچاره ایران يك مقدار زیادی از مهاجرین ارومیه و سلیمان و سلدوز تلگراف بسیاری بهیئت دولت مرکزی و وکلاء نموده اند که ما را از شر این کشتار و برادر کشی خلاص کنید يك اقدام هم از طرف دولت البته شده اما شاید این اقدام کافی نباشد و چنانکه در روزنامه موسوم بسهر شمال که بطهران رسیده و ملاحظه خواهید فرمود سواد تلگرافی که اهالی سلدوز و سلیمان عرض کرده اند درج شده است و همچنین يك تلگراف دیگری بطور خصوصی برای بنده رسیده است سواد آن هم يك نسخه بمجلس رسیده يك نسخه بهیئت وزراء این است که عرض می کنم و تقاضا می کنم بنام حس مشترك که هر ایرانی در هر موقع خطر دارد برای قدرشناسی باینده موافقت بفرمائید که بهیئت دولت تائیدی بشود که هر اقداماتی در موضوع آذربایجان نموده اند بیشتر نمایندگان آن

بدیخت اهالی که کارد باسخوان رسیده و باز گفتگوی ناموس است از این اوضاع خلاص بشوند (جمعی تصدیق نمودند) تلگراف اولی که عرض کردم از طرف مهاجرین رسیده است این است که بمضمون ذیل قرائت نمودند .

طهران - بتوسط حاج رفیع آقا و سایر مهاجرین ارومیه کوییه مقام مقدس دارالشوری کبری شیدالله از کانه مقام متبع هیئت جلیله وزرای عظام دامت شوکته .

سابقه از تبریز و چه از مراغه تفصیل فجایع و عملیات شقاوت کارانه اسمعیل آقا و اتباع اسمعیل آقا که فقط و فقط به قصد اعدام نسل عجم و رفع فاصله اتصال خط کردستان از مابین به آرزوی تشکیل حکومت کردی اقدام شده در طی تلگراف هدیده چه بسده منبه سلطنت عظمی و چه بمقام هیئت معظم دولت کاملاً عرض شد ولی هزارافسوس که تا کنون نتیجه ظاهر نشده است اگر دولت از حقوق مملکتی خود در ارومیه و سلدوز و سلیمان چشم پوشیده اگر دولت دارو ندار اهالی بیچاره را به تیول اکراد و گذشته و قتل عام نفوس ما را هم برضایت سکوت امضاء بفرمائید مختار است و ممکن است تا جائی که سیاست دولت اقتضا میکند از آن مسائل تحمل نمود ولی قضیه عرض و ناموس که موضوع شکایت آنروزه ما فلک زدگان است جای هیچگونه ملاحظه و تحمل نیست جماعت به یاد غارت رفته و عموماً خاکستر نشین شده هم قبول داریم روزی پنجاه هیئت نفر از شکجه و مجاهدات تلف بشویم بشرح امضاء خودمان در این جا که حد اکثری از نمره اول متمولین ارومیه و سلدوز و سلیمان هستیم از بیرشانی و عدم دستگیری متدرجاً طعمه مرگ میشویم راضی و شاکریم اما در صحبت عرض و ناموس که از تحت نفوذ سیاست و دیانت هر دو خارج است خود را از هر گونه جسارتی معذور میدانیم بنا بر این عرض مینمائیم اگر دولت عاجلاً با اعزام قوه کافی و وافی در استخلاص اعراس و نوامیس ما بیچارگان اقدام جدی نفرمائید که اطمینان قطعی برای جماعت پیدا بشود نه عرق انسانیت و نه حسن اسلامیت هیچ کدام مانع از پاره تشبثات این جماعت نخواهد شد بعد از آن که امر امر هیئت منظم دولت است . از طرف عموم مهاجرین ارومیه و سلدوز و سلیمان .

سلیمان میرزا - تلگراف دیگر هم تقریباً همین مضمون است هر چند که هیئت دولت بعضی اقدامات کرد ولی بنده منتظرم که سایر آقایان هم با بنده هم عقیده و هم آوازش شوند من با اهالی آذربایجان می گویم که نه نمایندگان ایران نه ملت ایران نه دولت هیچ کدام چشم از حقوق حق خودشان حتی از يك وجب خاک ایران دست بر نداشته اند (تصدیق نمودند) چه رسد بيك نقطه مهمی مثل آذربایجان دولت برای آنجا همه قسم اقدامات خواهد کرد خصوصاً راجع به نوامیس مردم که نوامیس ماها است .

رئیس - گمان میکنم این روزنامه متعلق به مدتی قبل باشد چون جمعی از مهاجرین سلدوز و ارومیه که در تبریز آمده بودند بنده با آنها مغایرت حضوری کردم آقای مساوات هم تشریف داشتند تقاضاهایشان را پرسیدم تقاضاهایشان راجع به سه مسئله بود يکي راجع به وجه و دیگری راجع به اسلحه و سومی راجع به اعزام قوای بانجا و هر سه مسئول آنها اجابت شد و موافق مراسله که اخیراً از رئیس الوزراء رسیده است اردوئی که در میانج بود تقاضا کرده بودند که ماهی سی هزار تومان بود تصویب شد که با آنها داده شود چند هزار تفنگ هم که خواسته بودند تصویب شد که پولی بفرستند که همان جا آنها خریداری نمایند بنده هم بموجب همین جواب آقای رئیس الوزراء با آنها جواب دادم حالا که آقای سلیمان میرزا اظهار میفرمایند گمان میکنم راجع به مسئله قبل باشد با وجود این بنده باز بدوات تأکید می کنم منتظر جواب تلگراف آنها هستم که به بینم باز اگر مطلبی دارند تقاضا میکنم انجام دهند جلسه آتی به روز شنبه ساعت قبل از ظهر خواهد بود (مجلس يكساعت قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۳

صورت مشروح مجلس يوم شنبه ۱۸ ذی حجة الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۲۱

برج اسد ۱۳۰۰

مجلس يكساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (آقای مستشار السلطنة صورت مجلس يوم پنجشنبه ششم را قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج آقا (اجازه نطق)
حاج آقا - در صورت مجلس شرحی راجع

برایض بنده نوشته شده و ذکر میکنم که بنده عرض کرده ام مطالب سابقه را نباید گفتگو کرد بنده هیچ معروضی نکردم که از گذشته نباید گفتگو کرد فقط عرض کردم که مطالب سیاسی نباید منشأ تصویب و عدم تصویب اعتبارنامه ها باشد .

رئیس - اصلاح میشود آقای سردار معظم (اجازه نطق)

سردار معظم - در صورت مجلس نوشته شده بنده قبل از تقاضای تنفس با ارجاع اعتبار نامه آقای جلیل الملك بکمیسیون مخالفت کردم در صورتیکه قبل از تنفس وبعد از تنفس بنده در باب کمیسیون عرضی نکرده ام .

رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - در صورت مجلس نوشته شده کمیسیون رسیدگی باعتبار نامه آقای تنگابنی گمان میکنم مجلس همچو کمیسیونی معین کرده باشد فقط تقاضای آقای محمد هاشم میرزا این بود که چند نفر از آقایان و کلاً بطور قرعه معین شوند تا مذاکرات قیامین ایشان و آقای تنگابنی را بشنوند

اگر ایشان قانع شدند هیچ والا بر مخالفت خودشان خواهند افزود چون بنده عضو آن کمیسیون هستم لذا از برای خود و رفقای خودم حق برای رسیدگی باعتبار نامه نمیدانم .

رئیس - این فقره هم اصلاح میشود آقای سدید الملك (اجازه)

سدید الملك - در صورت مجلس نوشته شده ۳۷ رای در مقابل ۱۵ رای این ۵۲ رای میشود در صورتیکه عده ۵۴ نفر بوده و دو نفر باقی میمانند

رئیس - عده ۵۶ نفر بوده چهار نفر از دادن رای امتناع کرده بوده اند .

سدید الملك - پس خوب است آبراهم بنویسید

رئیس - این مطلب هم نوشته میشود دیگر اعتراضی نیست ؟

محمد هاشم میرزا - راجع بپیشنهاد آقای مدرس نسبت با رجاع اعتبارنامه آقای جلیل الملك بکمیسیون مخالفت بنده فقط از این نقطه نظر بود که این مسئله سبب دور میشود و بنده عرض کردم با آن کمیسیون مخالفم ولی موافقت خود را با کمیسیون دیگری که تشکیل شود اظهار داشتم و بنده با این مسئله مخالف بوده ام با آقای سردار معظم .

رئیس - مخالفت باسم چنانچه مآلی نوشته شود ؟

محمد هاشم میرزا - بلی .

رئیس - همانطور نوشته میشود دیگر اعتراضی نیست (گفتند خیر) صورت مجلس با این پنج فقره اصلاحات تصویب شد . آقای سردار معظم خراسانی راپورت راجع به آقای صمصام السلطنة را قرائت فرمائید .

آقای سردار معظم راپورت راجع به آقای صمصام السلطنة را بمضمون ذیل قرائت فرمودند :

شعبه پنجم بدوسیه انتخبات آقای صمصام السلطنة نماینده طهران رسیدگی کرده نظر باینکه جریان انتخبات تهران موافق قانون بوده و مشکلی هم که در باب آراء کن بنظر رسیده در ضمن راپورت راجع بآقای تدین مشروحاً ذکر شده است و محتاج بتکرار نیست لهذا در این راپورت ذکر نشد و شعبه با حفظ نظر معروضه صحت نمایندگی آقای صمصام السلطنة را تصدیق مینماید .

رئیس - نسبت باین راپورت اعتراضی نیست (گفته شد خیر) رای میگیریم بشانیدگی آقای صمصام السلطنة آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد (آقای آقا شیخ محمد جواد راپورتی است راجع به آقا میرزا علی کازرانی)

آقای آقا شیخ محمد جواد راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت فرمودند :

انجمن نظارت انتخبات پوشهر در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۹ تشکیل گردید مطابق مقررات قانونی اعلان انتخبات را منتشر نموده اند چهار شعبه نظارت در نقاط چهارگانه خود رواج برانجان تنگستان

شبانکاره تشکیل کرده اند در شهر و نقاط اربعه ۳۱۸۹ ورقه تعرفه داده شده و ۲۹۴۷ ورقه رای مسترد داشته اند آقای آقا میرزا علی کازرانی با اکثریت ۲۲۴۷ رای سمت نمایندگی پوشهر انتخاب شده اند

پس از قرائت آراء و تشخیص نماینده يك هفته مطابق قانون انجمن نظار برای اخذ شکایت دایر بوده ولی شکایتی نرسیده در ۱۵ جمادی الاول انتخبات خاتمه یافته (در صورت مجلس بنویسند) دو ورقه اعتراضیه بتوسط حکومت بامضاء چند نفری از اهالی پوشهر مبنی بر اینکه ما انتخبات نقاط جزء را قبول نداریم (رسید چون اعتراض خارج از نظامنامه بودند پذیرفته نشد مطابق ماده ۴۴ نظامنامه انتخبات باید نظار شرح شکایات را در صورت مجلس درج نمایند چون این ماده از قانون را انجمن نظار مراعات نکرده بودند شعبه بتوسط وزارت داخله از حکومت پوشهر خواست که دو ورقه اعتراضیه اگر موجود است عیناً بفرستند تا شعبه پس از تکمیل دوسه نظریات خودش را بعرض نمایندگان محترم برساند ولی در این مدت جوابی نرسیده

شعبه نظرباینکه انجمن نظار اعتراضات را وارد ندانسته و در مدت يك ماه هم که پس از افتتاح مجلس قانون به متشکبان حق می دهد شکایات خودشان را بمجلس تقدیم نمایند و شکایتی نرسیده و جریان انتخبات را شعبه مطابق قانون دیده صحت انتخبات پوشهر و نمایندگی آقای میرزا علی را تصدیق مینماید

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رای می گیریم آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . راپورتی است راجع بآقای عماد السلطنة

آقای شیخ محمد جواد راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند :

شعبه اول در ۲۴ شوال راجعه بدوسیه انتخبات اصفهان نموده بواسطه ناقص بودن صورت مجلس و معلوم نبودن طرز جریان انتخبات اردستان نتوانست تصمیم قطعی اتخاذ نماید لذا صورت انتخبات اردستان را از اصفهان خواسته پس از رسیدن صورت مجلس اردستان مجدداً بدوسیه انتخبات اصفهان رسیدگی نموده و نظریات خود را بعرض میرساند .

سلخ ذی حجة ۱۳۳۸ انجمن نظارت انتخبات مرکزی تشکیل پس از نشر اعلان از روز ۱۸ محرم الی دوم صفر ۸۹۲۶ تعرفه داده اند از روز سوم ناهفتم صفر ۱۳۳۹ ورقه رای اخذ کرده اند

بعلاوه يك شعبه نظارت برای اردستان و قهیایه و مهاباد در اردستان تشکیل داده اند . بموجب صورت مجلس اردستان انجمن نظارت در ۲۷ محرم منفعت شده اعلان انتخبات را منتشر نموده اند مطابق مقررات قانون تا ۲۲ صفر ۱۵۰۳ ورقه تعرفه توزیع و ۱۴۲۱ ورقه رای مأخوذ داشته اند .

استعراج آراء در اردستان بعمل آمده نتیجه

را باصورت مجلس باصفهان فرستاده اند. در شهر و شعبه اردستان ۱۰۴۲۹ ورقه تصرفه داده شده ۷۸۰۰ ورقه رای اخذ کرده اند آقای عماد السلطنه با اکثریت ۳۹۴۴ رای بیست عضویت مجلس شورای ملی انتخاب شدند.

در حین قرائت آراء توسط پست شهری باکشی که معنوی ۲۲ پاکت بوده مبنی بر شکایات از انتخابات بانجمن نظار رسیده چون نویسنده پاکت مزبور معلوم نبوده بانجمن ترتیبی بآنها نداده. یک هفته پس از قرائت آراء بانجمن برای اخذ شکایات دایر بوده ولی شکایاتی نرسیده لذا بانجمن خاتمه داده شده ولی در حین انتخابات و پس از خاتمه آن تلگرافات و مراسلات زیادی مبنی بر شکایات از انتخابات بریاست وزراء و وزارت داخله رسیده اساس شکایات متشکبان این است که انتخابات مبنی بر تقدیم و در تحت تأثیر نفوذ حکومت و نظایه نمایندگان اصفهان انتخاب شده اند اما مدیری برای اثبات ادعای خودشان نشان نداده اند که شعبه بتواند حکمیت نموده و باظهارات آن ها ترتیب اثری بدهد در مقابل این شکایات تلگرافات مفصلی با مضامین طبعات مختلفه از علماء و تجار و اعیان رسیده که اظهار رضایت و تصدیق آزادی و حسن جریان انتخابات و تکذیب شکایات کنندگان را نموده اند لهذا اشکالاتی بنظر شعبه نرسیده انتخاب آقای عماد السلطنه را تصدیق مینماید.

رئیس - آقای تدین (اجازه نطق)

تدین - بنده مخالفم.

رئیس - می ماند برای جلسه دیگر آقای جلیل الملك را بپورت راجع به آقای عماد الملك را قرائت نماید.

(بمضمون ذیل قرائت فرمودند)

بتاریخ ۱۲ برج جوزا یونسفیل مطابق عشر آخر شهر شعبان ۱۳۳۶ بانجمن مرکزی سمنان بر طبق مقررات قانون تشکیل شده و در هشتم سرطان مطابق دوم شوال اعلان انتخابات را در شهر و حوزه جزو انتشار داده و مقرر داشته است در مدت ده روز نشر اعلان و هر روز توزیع تعرفه و سه روز اخذ آراء نمایند و همچنین در برج جوزا مطابق ماه رمضان دو هزار تعرفه با نظامنامه انتخابات برای بانجمن نظار دامغان توسط حکومت آنجا ارسال داشته و دستور می دهد که در بیستم سرطان مطابق دوم شوال شروع بامر انتخابات نمایند و نتیجه را تا ۲۸ شوال بانجمن نظار مرکزی سمنان اطلاع دهند بملاوه در ۳۷ جوزا بانجمن نظار مرکزی حکومت سمنان و دامغان می نویسد یک هزار ورقه تعرفه با نظامنامه دستور برای انتخابات جندق و بیابانک نزد نایب الحکومه آنجا ارسال دارند.

بانجمن نظار دامغان که بایستی موافق ماده ۱۸ قانون انتخابات و بر حسب دستور بانجمن مرکزی سمنان در دوم شوال نشر اعلان نماید و از دوازدهم بتوزیع تعرفه پردازد بر حسب تقاضای کمیته معنی دامغان در بیستم شوال بتوزیع تعرفه پرداخته و روز

۲۲ شوال در انجمن مرکزی سمنان و در ۲۳ شوال از وزارت داخله تقاضای ارسال دوازدهم تعرفه دیگر نموده است بانجمن مرکزی سمنان نظر بماده ۱۸ و ۳۷ قانون انتخابات چون بانجمن دامغان دستور العمل داده بوده است که از دوم شوال تا دوازدهم مدت نشر اعلان و از ۱۲ تا ۱۹ توزیع تعرفه و از ۲۰ تا ۲۲ اخذ آراء و در ۲۸ استخراج آراء نمایند و نتیجه و صورت مجلس را برای انجمن مرکزی بفرستند و بانجمن دامغان برخلاف دستور فوق در ۲۰ شوال بتوزیع تعرفه پرداخته و در ۲۲ مجدداً تقاضای تعرفه نموده است لهذا بانجمن مرکزی سمنان تقاضای انجمن دامغان را بی موقع و بر خلاف مقررات قانون انتخابات دانسته رد می نماید اعضای انجمن دامغان در ۲۵ شوال بدون تحصیل نتیجه و اخذ آراء انجمن را تعطیل و از مقام خود استعفا داده است انجمن مرکزی سمنان بطوریکه مقرر داشته بود در ۲۹ شوال مطابق ۱۵ اسد یونسفیل امر انتخابات را خاتمه داده و پس از انقضای مدت قانونی و ترسیمن شکایات در ۱۴ ذیحجه نمایندگان آقای عماد الملك را در سمنان و دامغان اعلان و بانجمن مرکزی را منحل مینماید شعبه سوم پس از مذاقه در صورت مجلس و دوسه انتخابات آنجا چون موضوع انتخابات جندق و بیابانک را مسکوت نه یافت از وزارت داخله خواست که از حکمران سابق سمنان و اعضای انجمن مرکزی آنجا موضوع مسئله را بخواهد در جواب استلام وزارت داخله امیر حشمت حکمران آنوقت تلگراف ذیل را مغایره مینماید.

نظر باینکه در دوره های انتخابات گذشته هیچگونه اقدامی راجع بجندق و بیابانک نشده و اهالی آنجا هیچوجه سابقه از جریان انتخابات و حکومتی ندارند و همچنین بواسطه موقعیت سابق آنجا مسئله مسعود لشکر و رمضان باصری که سابقه آن در وزارت داخله کاملاً موجود است در موقع فرستادن اوراق تعرفه و اعلانات لازمه راجع بان انتخابات در ایام تصدی فدی نزل آید و بی اعتنائی کرده بعد از انتخابات سمنان و موعیدیکه از طرف انجمن مرکزی تعیین کرده بودند بدون اجرای شرایط قانونی اوراق مهور متعددی در تحت عنوان اینکه آقای معتمد دیوان سمنانی عضو دفتر حکومتی شاهرو و دارای همه قسم اختیاراتی از طرف اهالی جندق است ب سمنان فرستاده که عین آنها در دفتر حکومتی سمنان ضبط و بدین جهت جزو صورت مجلس انتخابات سمنان نشده است همچنین راجع بان انتخابات دامغان اگرچه انجمن نظار مرکزی سمنان میتواند است تقاضای انجمن نظار دامغان را در ارسال دو هزار تعرفه دیگر قبول کرده و اهالی دامغان را از حق انتخابات محروم نکند ولی قانوناً به انجمن مرکزی سمنان نمیتوان ایرادی وارد آورد زیرا موافق ماده ۱۸ و ماده ۳۷ نظامنامه انتخابات انجمن مرکزی سمنان خود را در این عمل معق دانسته است راجع بان انتخابات جندق و بیابانک تلگراف امیر حشمت مینماید علاوه بر افتشاشات آنجا بواسطه حملات منصور لشکر و

رمضان باصری اهالی آنجا مباشرت بامر انتخابات ننموده و خود را از امر انتخابات محروم داشته اند بنا بر مراتب معروضه شعبه سوم پس از تقاطعی نظر نمایندگان آقای عماد الملك را برای دوره چهارم تقنینیه تصویب می نماید.

رئیس - راجع باین راپورت مخالفی نیست؛ **حاج شیخ اسدالله -** بنده مخالفم.

رئیس - می ماند برای جلسه دیگر. آقای آقاسید محمد تدین (احضار برای قرائت راپورت) آقای تدین راپورت شعبه دوم راجع بنمایندگی آقای معتمد السلطنه را بمضمون ذیل قرائت نمودند: شعبه دوم بدوسه انتخابات در جزو مضافاتش بدقت رسیدگی نموده و برای استحضار مجلس شورای ملی عرض مینماید که انجمن نظار مرکزی انتخابات در جزو شهر جمادی الاولی ۱۳۳۸ تشکیل گردیده و چندین انجمن جزو دیگر را هم در سایر نقاط لازمه از قبیل سرخس ناصری و زورآباد و غیره دائر ساختند و با رعایت مواد قانون شروع بانجام وظایف قانونی خود نموده و در تمام نقاط مزبوره موازی ۱۲۰۴۳ ورقه تعرفه توزیع شده و از این مقدار موازی ۱۲۱۴۶ ورقه تعرفه با اوراق آراء برگشته و آقای معتمد السلطنه با اکثریت ۱۱۳۸۷ رای از کل آراء واصله بوکالت دارالشورای عالی انتخاب شده اند و پس از انقضای مدت انتظار انجمن مرکزی برای وصول شکایات چون شکایاتی نرسیده لذا انجمن انتخابات را خاتمه داده و اعتبارنامه باسم آقای معتمد السلطنه صادر نموده است شعبه دوم جریان انتخابات در جزو مضافاتش را موافق قانون دانسته و چون تا بحال هم شکایاتی نرسیده لذا صحت انتخابات آقای معتمد السلطنه را در جزو توابع آن تصدیق مینماید.

رئیس - آقای آقا شیخ محمد جواد (اجازه) **آقا شیخ محمد جواد -** بنده مخالفم.

رئیس - می ماند برای جلسه آینده. راپورت راجع با آقای سید محمد باقر دستغیب که سابقاً قرائت و طبع و توزیع شده امروز باید رای گرفته شود. (آقای محمد هاشم میرزا)

محمد هاشم میرزا - بنده راجع بان انتخابات بندر عباس آروز مخالفتم کردم بعضی از اعضاء شعبه باینده موافق شدند و قسمتی از ایرادات و اعتراضات بنده را پذیرفتند بعد گویا شعبه بنمایندگی آقای دست غیب با اکثریت رای داده و مجدداً مراجع بمجلس شده این است که چون اقتاع نشدم عرایض خود را تکرار میکنم آن قسمتی که در این موضوع از خارج اطلاع دارم گمان میکنم صورت مجلس انتخاب برای عرایض بنده کافی باشد عرض نخواهم کرد لیکن راجع بصورت مجلس بعضی مذاکرات دارم که عرض میکنم اولاً بموجب ماده ۲۱ که باید از دوازدهم الی یکماه قبل از موعد انتخاب اشاعه اعلان بدهند تا بطور نشده و در صورت مجلس مینویسد اعلان چهار روز قبل از موعد توزیع تعرفه

داده شده و این مطلب بر خلاف ماده ۲۱ قانون انتخابات است بعد در صورت مجلس مینویسد که از دوم ربیع الثانی الی چهارم شروع بخد آراء شد و مشخصه نمود سه رای از ۹۱۶ رای دریافت و ۲۳ رای لاوصول گردید سپس آراء را در صندوق گذارده مهور کردند آنچه از این عبارت بر می آید مفهوم میشود که بر خلاف چندین ماده نظامنامه رفتار شده و چون آراء را از دوشبه دیگر مأخوذ داشته و بعد در صندوق گذارده مهور میشود در این جدا چندین ماده قانون مرعی نشده که یکی یکی بعرض میرسانم در ماده ۲۶ مینویسد دادن رای باید مخفی باشد باین ترتیب که آراء را در همان موقع اخذ آراء رای دهندگان بایستی در صندوق ریخته باشند در صورتی که این مسئله ذکر شده با مخفی بودن رای مغالفت میکند.

در ماده ۲۷ مینویسد پس از حضور اعضای انجمن نظار و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلام شده قبل از شروع بگرفتن اوراق رای رئیس انجمن نظار جمع را که برای ضبط اوراق رای معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آنها را می نمایاند آنگاه در حضور جمع درج جعبه مختم شده اوراق رای از شکافی که فوق جعبه است انداخته میشود و این ترتیب که رای گرفته شده در صورت مجلس ذکر شده برخلاف این ماده خواهد بود بملاوه ماده ۳۸ میگوید هر یک از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رای خود را یکی از اعضاء که برای اینکار مبین شده است بدهد گیرنده تعرفه نموده و تعرفه را بصورت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آنرا ابطال نموده بصاحبش رد میکند و ورقه رای او را بدون نگاه کردن درجبه انتخاب می اندازد الی آخر باز باین ترتیب معلوم میشود که موافق ماده ۲۸ رفتار نشده در ماده ۲۹ میگوید در جاهایی که انتخاب در یک روز تمام نمیشود و در ختام مجلس امروز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه جعبه و قرائت راجع بان انتخاب را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روز بعد همان اعضاء آرایاز می کنند باینکه اینجا تصدیق کرده که اخذ رای در دو روز شده نه در یک روز معلوم میشود ماده ۲۹ هم مراعات نشده در ماده ۳۵ میگوید بلا فاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را بصورت بلند اعلان می نماید اوراق انتخاب را تا موقع انحلال انجمن نظار محفوظ میدارد و در آن هنگام در محضر حکومت و حضور جمعی از جوجه مجلس اوراق مذکور را معدوم می کند - این ماده هم معلوم نیست اجراء شده باشد ماده ۳۸ میگوید منشی انجمن نظار مرکزی صورت مجلس انتخابات را در سه نسخه حاضر کرده بهر حکومت و با مضای اعضاء

انجمن نظار و رسانیده يك نسخه بحکومت نسخه دیگر بتوسط حکومت و وزارت داخله به مجلس شورای ملی و نسخه ثالث را با کتابچه ثبت اوراق تعرفه به انجمن ایالتی یا ولایتی محل میفرستد. صورت مجلس که در اینجا موجود است هیچوجه مهر حکومت را ندارد ماده ۴۵ مینویسد انجمن نظار پس از ختم انتخابات تا یک هفته شکایات راجع به انتخابات را می پذیرد پس از آن پذیرفتن شکایات را ختم کرده در ظرف يك هفته دیگر بشکایات واصله رسیدگی مینماید. هیچوجه در صورت مجلس این مطالب نیست که يك هفته برای وصول شکایات منتظر شده باشند اما شکایاتی رسیده تلگرافی است با مضامین حسن و ۹۰۰ نفر از اهالی بندر عباس که راجع بسرقت و عوض کردن آراء میباشد و مخصوصاً قید مینماید که بقیه مطالب را مشروحاً بایست عرض خواهم نمود ولی بایست نوشته اند یا نوشته اند چون فعلاً موجود نیست بنده در آن موضوع نمیتوانم عرضی بنمایم ولی چیزی که در شعبه مورد اشکال و شبهه گردیده این است که میگفتند در تلگراف ذکر مینماید حسن از طرف نهصد نفر از اهالی در صورتی که نه در صورت فارسی و نه در صورت فرانسه آن تلگراف همچو چیزی نیست فقط چنانکه در تلگرافات رسم است چون بعضی نمی توانند وجه هزار کلمه را که باسم کمیته تلگراف میکنند بدهند اعضاء بکنفرانس میروند باینکه تلگراف کنندگان در این تلگراف هم نوشته حسن و نهصد نفر دیگر بحالاً شعبه می فرماید ما چون حسن نام را نمی شناسیم لذا تلگراف را محل اعتناء قرار ندادیم بنده این مطلب را (غالب اوقات میشود) نمی فهمم یعنی انتخابات مینویسد که باینکه حق انتخاب دارند حق شکایات دارند و چنین دستوری در نظامنامه چه و کی باید حل شود در صورتیکه در نظامنامه انتخابات قید نمی نماید که شکایات نامه متشکبان باید بهر حاکم شرع باشد یا شخص متشکی بایستی اعتبار نامه در دست داشته باشد و باسم او قماربش در دفتر سجل احوال تهران قید شده باشد هیچ نمی نویسد که حاکم باید تصدیق هویت او را بکنند از طرف دیگر ممکن است حسن بندر عباسی را بنده کو اکیل خراسانم نمی شناسم و باینکه از معترضین خراسان در شیراز معروف نباشد بجز این که من نمیشناسم نمیتوان بشکایات او ترتیب اثر نهاد. بنده عرض میکنم ممکن است از هزار نفر موکلین خودم پنجاه نفر آنها را هم نشناسم سایر آقایان هم گویا همین طور باشند. بک ترتیبی هم موقر الدوله در انتخابات ایشان انجام داده است که بعد از عوض کردن حاکم شکایاتی رسیده بالاخره چنانچه آقایان می گویند متشکی معروفیت محلی در آنجا ندارد بنده هم چون معروفیت بحال اشخاص ندارم اظهار عقیده نمی کنم باین ترتیب اگر آقایان این انتخاب را صحیح میدانند بنمایندگی آقای دست غیب را بدهند و الا رای ندهند بنده فعلاً عرایض تمام است

رئیس - آقای مخبر توضیحی ندارد

جلیل الملك - بنده راپورت را بر حسب عقیده اکثریت اعضاء شعبه تقدیم کرده ام همین طور که میفرمایند بعضی اعتراضات بصورت مجلس وارد است ولی عقیده اکثریت شعبه بر این است که چون

بندر عباس دور از مرکز است و کاملاً بمحایق نظام نامه انتخابات مطلع نبوده اند لذا انتخابات بطور سادگی و خالی از دسائس بوده بنابراین شعبه صحت انتخابات آنجا را تصدیق مینماید.

رئیس - آقای آصف الممالک مخالف هستید؟ **آصف الممالک -** خبر موافقم.

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی مخالفید؟ **شیخ الاسلام -** خبر موافق هستم.

رئیس - آقای آصف الممالک بفرمائید (اجازه)

آصف الممالک - بنده میخواستم خاطر حضرت والا و سایر آقایان را باین نکته قانون متذکر کنم که مینویسد صورت مجلس انتخابات را باید سه نسخه نوشته و بانجمن ایالتی و حکومت محل و وزارت داخله بفرستد اگر درست ملاحظه بفرمائید برای نوشتن صورت مجلس يك دستور العمل ذاتی نیست در همین دوره انتخابات در تمام شبائیکه ملاحظه کردیم در هر جا صورت مجلس بنجوی نوشته شده در بعضی جاها گمان کرده اند که صورت مجلس عبارت از مجموع تمام قرائت و اوراق يك حوزه انتخابیه و باینجه کذب آنها را فرستاده اند بعضی ها خیال کرده اند از روز نشر اعلان و دادن تعرفه و اخذ آراء تا آخر آن عملیاتیکه انجمن نظار کرده اند باید جزء جزء در صورت مجلس قید شود و بعضی جاها خلاصه عملیات انجمن نظار را از روز اخذ آراء نوشته و بالاخره اکثریت شامل هر کس بوده او را معین و این نوشته را بصورت مجلس نام گذارده اند ما باید متوقع باشیم صورت مجلسی که در بندر عباس (که از همه جا دور و آشنا به قانون نیست) نوشته میشود حاوی تمام نکات قانونی باشد ما باید بجریان انتخابات ملاحظه نمائیم اگر اصول جریان انتخاب از روی نظامنامه باشد نباید اعتراض بکنیم بله بایستی باشخص اعتراض کرد که کاملاً عالم بقانون هستند باینکه غفلتهای اساسی کرده باشند ولی اگر يك غفلتهای جزئی شده باشد نباید آنها را مورد اعتراض قرار داد شاهزاده در باب آراء اظهار میکنند که رای گرفته شده بالاخره در صندوق گذارده اند و بعد استخراج کرده اند بنده از خودشان سؤال مینمایم اگر در عبارت قصور کرده باشند و نتوانسته باشند بفهماند که مطلب چیست باید مورد اعتراض باشد؟ آیا قرض کرده اند این آراء در این دو روز در کجا بوده در زمین بوده؟ در هوا بوده؟ البته در صندوق بوده منتهی آن ترتیبی را که میفرمائید (باید مهور شود) آن ترتیب را اجرا داشته اند نهایت تقدیم و تأخیر عبارت اینطور میفهمد که آراء را بعد در صندوق ریخته اند بشیخی است نمیشود آراء را در يك جایی گذاشت بعد ریخت در صندوق بجهت اینکه صندوق را برای رای درست کرده اند پس آراء در صندوق بوده است و بنده اینرا يك اعتراض قانونی نمیتوانم فرض کنم.

نائباً راجع ب مدت اعلان فرمودند اعلان اساساً برای چه چیز است؟ برای این است که يك حوزه انتخابیه مطلع بشوند که باید در آنجا انتخاباتی شود

اگر ابتداء بساکن يك اهالی منسوب نباشد البته مطابق قانون باید يك ماه یا نوزده روز بیست روز مدت اعلان را معین بکنند ولی يك انتخاباتیکه چهار سال جریانش طول کشیده و همه جا مسبوقند خاصه در يك حوزه مثل فارس که تمام نقاط آن مشغول انتخابات هستند البته بنابر عباس هم میدانند که باید بنوبت خودش داخل انتخابات بشود هیچ ضرورت ندارد که در يك محوطه کوچکی يك ماه مدت اعلان باشد البته مدت اعلان باندازه بوده است که اهالی مطلع شده و بیایند آن جا تعرفه بگیرند و رأی خود را بدهند علیهذا ایشرا بنده يك اشکال اساسی نمیدانم اما راجع بشکایات که فرمودند باید ترتیب اثر بشکایات داد البته بنده معتمد که باید بشکایات ترتیب اثر داد ولی يك شکایاتی را باید ترتیب اثر داد که با قانون مطابق باشد و بنیم این شکایاتی را که میکنند با مواد قانون موافقت دارد والا بصرف اینکه يك کسی شکایات بکند (یا ده نفر یا صد نفر صرف شکایات) بعقیده بنده نمیتواند معطل يك انتخابات واقع شود اگر این شکایاتی که شده يك شکایاتی بوده است که با اساس انتخابات یا صحت انتخابات متافی بوده است البته ما باید يك ترتیب اثری بآن شکایات بدهیم . اگر نبوده است شعبه البته حق داشته است ترتیب اثر بشکایات نهد و بعلاوه عرض میکنم که ما موظف نیستیم که شکایات بتراشیم اگر يك اشخاصی شاکتی باشند باید خودشان بهر وسیله هست شکایات خود را بدهند و مطابق مواد قانون موظفند اظهار کنند نه اینکه بگذارند بگفته که انجمن نظار مشغول رسیدگی بشکایات هستند شکایات خودشان را نفرستند و بعد هم در مدت قانونی که در مجلس شورای ملی در ماه اول باید شکایات برسد آنوقت هم نرسد و بالاخره چون يك تلگرافی در دوسه بوده است آنوقت آن را مآخذ قرار دهیم بعقیده بنده چنین شکایاتی نمی تواند منشاء اثر قرار داده شود و بعقیده بنده راجع به انتخابات بنابر عباس هیچ اشکال نمی بینم و عقیده ام اینست که انتخاباتش صحیح است

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه نطق)
محمد هاشم میرزا - مذاکرات نماینده معتمد بچند قسمت تقسیم می شود بیک قسمت خواستند قائل بمسامحه شوند نسبت به انتخابات راه های دور از قبیل بنابر عباس و غیره . بنده عرض می کنم قانون فقط یکجا استثناء دارد و آن منحصر بر انتخابات ایلات و رقبه نقاط هیچ فرقی مابین بنابر عباس و طهران در قانون نگذاشته است چون این مسامحه در قانون نیست گمان میکنم که اگر هم در هرامری اینطور مسامحه می کنیم تا دوره پنجم يك ماده قانون سالم نماند اما اینکه می فرمایند اطلاع داشته اند که انتخابات خواهد شد اطلاع کافی نیست می فرمایند از ۳ سال قبل انتخابات در شیراز شروع شده و دوسال بعد در بنابر عباس اعلان انتخابات داده اند مقصود از

اعلان اینست که بنده بدانم انجمن نظار در کجاست نوشته است تعرفه می دهد بروم تعرفه بگیرم بکدام روز رأی قبول می کند بروم رأی بدهم نه اینکه اجمالا در عرض امسال یا سال دیگر در این انتخابات خواهد شد مقصود از اعلان چندین ماده است که در اینجا نوشته است بجز اعلان روزش موعدهش مکانش به ترتیبی که در نظامنامه مندرج است معین می شود پس این اطلاع عمومی که در دوره چهارم مشغول انتخابات خواهند بود کافی نیست باید موعده مقرر باشد معین شود آیا آن قسمتی که راجع بصورت مجلس می فرمایند عرض کردم که در ماده ۳۵ صراحتاً نمیبوسد که منشی انجمن نظارت مرکزی صورت مجلس انتخابات را ۳ نسخه حاضر کرده و بامضاء حکومت رسانیده و الا اینکه امضای حکومت را ندارد مراجعه بفرمائید ماده قانون تصریح کرده که باید امضای حکومت را داشته باشد اما اینکه راجع به عبارت صورت مجلس می فرمایند بنده می گویم عبارت این صورت مجلس فارسی است ما مکلف هستیم ظاهر عبارات را قبول کرده قائل بتأویل نباشیم مادامیکه مخالفت با عقل نکند بنده عرض میکنم عبارت تصریح کرده است که ابتدا آنها را وصول کردیم سپس آراء را در صندوق گذاشتیم بنده از شعبه معتمد آنقدر تقاضا داشتم که تحقیق کنند اگر انجمن نظار این کاری را که بنده عرض میکنم کرده است مطابق قانون نیست اگر عبارتش را بد نوشته است البته حق با شماست این را هم از بنده نشنیدند اما اینکه می فرمایند شکایات بی اساس را نباید گوش داد بلی شکایات دو قسم است اگر شکایاتی که میکنند مطابق قانون است یعنی مؤثر در انتخابات است البته بایستی گوش داد و الا غیر اگر شکایات کننده (ولو او را بشناسیم یا نشناسیم) شکایت کنند که انجمن نظار را از معین تشکیل داده اند یا از تجار تشکیل داده اند این يك چیزهایی است البته نباید گوش داد چه صاحبانش را بشناسیم چه نشناسیم اما این شخص که تلگراف میکند و سرت آراء و تعویض آراء را نسبت میدهد و مهمترین چیزیکه تصور میشود همین است که آراء را سرت کرده یا عوض کنند آیا چنین شکایاتی را میشود گوش نداد ؟ بنده نمیگویم بجز گفتن راست می گویند میگویم اگر راست گفته باشد از شکایاتی است که قابل ترتیب اثر است یعنی اگر راست گفته باشد انتخابات باطل و اگر دروغ باشد باطل نیست پس باین جهت باید تحقیق کرد .

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)
شیخ الاسلام اصفهانی - اعتراضات حضرت والا راجع باین بود که از عبارت فهمیده اند که آراء بهلوی صندوق جمع شده و بعد در صندوق ریخته اند و حال آنکه گمان میکنم که هر کس بکلمات آن حدود آشنا باشد میدانند که غالباً الفاظشان کوتاه تر از معانیشان میباشد و قتیکه حرف میزنند باید يك کلمه یا دو کلمه بپوشی آن گذاشت تا آن عبارت تمام شود این معنی که حضرت والا از این عبارت استخراج کردند معنایش نیست معنای آن این

است که آراء را در آن حول و حوش صندوق می ریخته اند یعنی اوراق را دو تا سه تا چهار تا می آوردند یکی هم در صندوق میریخته در اصفهان هم یکی که عفش نمیرسد بیندازد بسوراخی که آراء را باندازند میگذاشت پیش خدمت میبناخت در صندوق اما اینکه میفرمایند چون حسن نام از بوشهر شکایت کرده باید اینجاری رای را بعبارنامه باشو بکول مانطور بماند تا ما تحقیق کنیم بنیم حق با کی است بنده عرض میکنم اشکالات آن چه چیز است دلائل آن چیست این برخلاف اساس کار دنیا است هر کس ادعائی دارد باید خودش بر کزیکه مرکز نظم است برود و نظم کند و مطلبش را ثابت کند والا بعضی اینکه حسن نامی که از کجی دنیا برخواست صدا زد که من شکایتی دارم نباید يك اساس و يك کار و کپلی را معطل کرد مگر برویم بگردیم این حسن را پیدا کنیم به بنیم مطلب آن چه چیز است از همه این مطالب گذشته گمان میکنم که این قانون انتخابات اگر بنا شود با روح آن کار نکنیم و قدری دقیق تر شویم خیلی اسباب اشکال میشود .

رئیس - آقایان سردار معظم خراسانی - محقق العلماء - میرزا علی کازرونی و آقا شیخ محمد جواد موافقت .

سردار معظم - بنده مخالفم .
رئیس - آقا سید یعقوب موافقت ؟
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم .
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - خیلی متأسف هستم که در مسئله آقای دست غیب بنده باید در محل نطق بیایم ولی چاره چیست ماها هیئت معتمد هستیم و باید مواد قانونی را تعقیب کنیم مخالفت کردن با انتخاب وکیل از دو راه است یا از جهت انتخابات است یا از جهت صلاحیت آن شخص است و هر يك از این دو قسم را هم قانون معین کرده است که اگر باجریان انتخاب يك وکیل مخالفت کردیم باید در تحت چه موادی باشد و اگر مخالفت کردیم با يك نماینده از جهت صلاحیت آن نماینده باید در تحت چه موادی باشد بنده گمان میکنم بواسطه فلسفه و فصاحت بیان ممکن نیست انتخاب آن منتخب را از تحت آن مواد خارج کرد یا مطابق با آن ماده کرد آقای آصف الممالک میفرمایند بنابر عباس دور است و جائی هست که از قانون خبر ندارند خیلی تعجب میکنم از اطلاعات و فرمایشات آقای آصف الممالک . ما مشروطیت را از دول اروپا یاد گرفتیم و بیشتر نفوذ دول اروپا در سرحیات مملکت ما است و اطلاعات آنها بیشتر از ماها است بنابر عباس يك بندری است که بانام دنیا روابط تجاری دارد روابط سیاسی و علمو کمال دارد و قتیکه بنا شود بنابر عباس را یا اینکه روابط تجاری با تمام دنیا دارد و در واقع بمنزله دروازه خلیج فارس است ما میگوئیم اطلاع و آگاهی از قانون ندارد پس در مورد سایر نقاط چه باید بگوئیم خود آقای آصف الممالک راجع به انتخاب معتمد الدوله از آباده (یا وجود اینکه ما اهل فارس هستیم و میدانیم که آباده در چه بری واقع است و بنابر عباس در چه بری واقع شده است) گفتند فلان ماده اش

بر خلاف قانون است و آقای معتمد الدوله را رد کردند با اینکه آباده در يك وادی فوری واقع شده است که هیچ روابط تجاری ندارد اما بنابر عباس با همه جا روابطه دارد میفرمایند بی اطلاع هستند بنده گمان ندارم که اطلاعات اهالی بنابر عباس کمتر از تهران باشد . آقای شیخ الاسلام میفرمایند احتمال دارد که آراء را دو یا سه یا چهار ماه بعد جمع کرده باشند و در صندوق ریخته باشند این احتمالات است ولی در عبارات عربی که صریح نباشد انسان میتواند احتمالات بدهد اما عبارتیکه تمام از فارسی خالص نوشته شده است گمان ندارم که ما بتوانیم يك توجهی برای او بکنیم و ما باید مطابق با مواد قانون عمل کنیم و هر ماده از مواد قانون که مسئله را بیان کند از او خارج نشویم . اما مسئله که آقای آصف الممالک راجع به اعلان فرمودند پس چرا هیئت معتمد در قانون برای اعلان مدت معین کرده است و گفته مطابق با آن اعلان اهالی حق انتخاب دارند و باید بیایند تعرفه بگیرند و نظر قانون گذار چه بوده است ؟ البته برای اطلاع دادن با اهالی بوده که ضمناً حدودشان هم معین باشد که کارهای فاسد نکنند . اگر این ماده ملاحظه نشود ممکن است اعلان برای يك مدت غیر محدودی باشد و انتخابات هم در يك موقع غیر محدودی باشد شما که معبودیت در اعلان را منافی نمیدانید پس چرا راجع به آباده گفتید چون مدت اعلان محدود نبود باید رد کرد . يك بام و دو هوا که میشود اگر بنا شد ماده قانون مراعات شود در همه جا باید مراعات شود بنده نسبت بصلاحیت شخصی کار ندارم نظرم تمام بقانون است و باید مواد قانون را ملاحظه کرد . اما راجع به شکایات نمیدانم اگر کسی راجع به انتخابات شکایتی داشته باشد باید برود حضرت عباس را شفیع کند چه جور بگوید که این انتخاب شکایت دارد یا سیم کمپانی پول داده و زیاده تر هم داده نه صد نفر هم امضاء کرده اند و اطلاع میدهند که در کابینه سیاه آراء را سرت کرده اند پس چه باید بگویند که منشاء اثر بشود . با این عرایض بنده گمان نمیکند دیگر برای آقای آصف الممالک شبهه بوده و یا در این جریان انتخابات شك داشته باشند بلی اگر نظر بصلاحیت آن شخص باشد ممکن است از جای دیگر منتخب شود .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت ؟
حاج شیخ اسدالله - بلی .
رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ اسدالله - اعتراضاتی که راجع به انتخابات بنابر عباس فرمودند چند فراز است یکی راجع به اعلان است یکی راجع به حکومت نهادن صورت مجلس است یکی راجع به عبارتیکه در صورت مجلس نوشته شده در آخر راجع به تلگراف شکایاتی است که آراء سرت شده بنده در تمام این فقرات وارد میشوم به بنیم کدام يك از این فقراتی

که آقایان معترض هستند اسباب اختلال انتخابات است آقای آقا سید یعقوب شرحی راجع بمعلومات اهالی بنابر عباس و اطلاعات آنها که دارالعلم است و فلان است فرمایش فرمودند و ضمناً فرمودند که با تمام دنیا رابطه دارد اینها مربوط به انتخابات نیست هر کس بنابر عباس رفته اهالی آنجا را میشناسد و میدانند چه مردمان ساده هستند ، اما اعتراضاتی که راجع به انتخابات آباده راجع به اعلان شد عرض می کنم فقط و فقط ما انتخابات آباده را بجهت اعلان باطل ندانستیم اشکالات دیگری در بین بود که آن را مبنی بر بطلان انتخابات آنجا دانسته ورد کردیم . اشکالات و خلاف قانونهاییکه میشود بچند قسم است يك قسمی است که ضرر به اساس انتخابات میرساند مثلاً مثل اینکه محروم می کنند يك جمعی يك بلوکی و يك ملتی را از انتخابات و حق آنها را باطل می کنند البته نمیتوان این مسئله را سهل انگاری کرده و گفت با آنکه اهالی معروم شده اند انتخاب صحیح است بلی این اندازه نمیشود در مقابل خلاف قانون تسلیم شد ولی يك خلاف قانونها و سهل انگاری ها از طرف انجمن نظار شده که اساس انتخابات را باطل نمیکند مثلاً در کیفیت اعلان شاید اعضاء انجمن نظار غفلت کرده و عبارات را ناقص نوشته باشند آیا این عبارت ناقص که در موضوع اعلان نوشته شده اسباب بطلان انتخابات میشود ؟ نه در جائیکه اهالی مطلع باشند و در مدت معین تعرفه داده باشند و در مدت معین آراء اخذ شده باشد و در مدت معینه هم کسی شکایت کرده باشد آیا باید مسامحه کاری انجمن نظار را در عبارت نویسی باید بگوئیم مبطل انتخابات است ؟ بنده که نمیتوانم تصدیق کنم پس از این فراز می گذریم و داخل میشویم بفرازهای دیگر و آن اینست که : میفرمایند حکومت صورت مجلس را مهر نکرده آیا حکومت اعتبارنامه را مهر کرده یا نکرده ؟ چرا بهتر از اینکه میفرمایند صورت مجلس را هم مهر کرده بنده بالاتر از این عرض میکنم میگویم حکومت صورت مجلس را مهر نکرده آیا مهر نکردن صورت مجلس را بدون شکایت و ایراد سبب بطلان انتخابات باید قرار داد ؟ ایشرا بنده نمیتوانم تصدیق کنم و قانون هم بما همچو اجازه و حق را نداده که چنین انتظاری را باطل بدانیم در حالتیکه اعتبارنامه را حکومت مهر کرده است اگر هر آینه صورت مجلس را هم حکومت مهر کرده باشد دیگر اشکالی در این حقوق باقی نیست . یکی دیگر عبارتیکه است که در صورت مجلس می نویسند (ملاحظه فرمائید سبک عبارت نویسی را) می نویسند فلان مقدار آراء وصول (مثلاً اینکه مالیات وصول کرده باشد) و فلان مقدار آراء وصول (یا ناوصول هر دو نفی است) و سپس آراء در صندوق ریخته شده و مهر کرده اند . آیا انصاف می خواهم که این عبارت باین سادگی را که انجمن نظار باندان خودش نوشته است میتوان سبب بطلان انتخابات قرار داد ؟ ایداً این است که بنده انتخابات آنجا را

خیلی صحیح میدانم و اما راجع بشکایات یک نفر تلگراف کرده که آراء سرت شده ؛ یک نفر نه دو نفر نه سه نفر نه فرض میکنم چند نفر يك چنین اظهاری را کرده اند اولاً بانجمن نظار هیچ اظهاری نشده و در صورت مجلس هم نیست آیا بدون مدرک مجلس میتواند يك همچو انتخاباتیکه انجمن نظار و حکومت محل صحت آنرا تصدیق کرده باطل کند ؟ آیا يك تلگراف يك انتخاباتی را میتوان باطل کرد ؟ اگر اینطور باشد تمام انتخابات باطل است برای اینکه در تمام انتخابات همین شکایات هست اما اظهار ایشان از روی دلیل نیست البته هر کدام از اشکالات را که مستند بر دلیلی باشد که محکم یا شعبه بتواند آنرا محل اعتماد خودش قرار دهد تصدیق دارم باید محل توجه و دقت قرار داد اما يك اظهاری را که بدون مدرک و مستند است شعبه نمیتواند ترتیب اثر داده و راپورتنی را که داده بگوید صحیح است .

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه نطق)

سردار معظم - بنده اشکالاتم در انتخاب آقای دست غیب هیچ از نقطه نظر صلاحیت یا عدم صلاحیت شخص ایشان از نقطه نظر اعلان یا انجمن نظارت نیست اشکال بنده راجع به آن قسمت از صورت مجلس است که خودش تصدیق میکند آراء پس از جمع آوری در صندوق ریخته شده و مقدمتاً آقای آصف الممالک برای رد اشکال مخالفین عدم بعلم قانون را دلیل آورده اند آیا هم عدم بعلم قانون مسوغ است ؟ در تمام دنیا معتقدند که عدم بعلم بقانون هیچ ایرادی را از انسان رفع نمیکند و مطابق این اصل باید عمل شود والا اگر عدم بعلم بقانون را مدرک کاستن مجازات مقصر قرار دهیم آنوقت زندگانی اجتماعی محال است از طرف دیگر آقای شیخ الاسلام بیانهای راجع به مزایت زبانی که معمول به بنابر عباس و تهران است فرمودند که در آنجا بطرز دیگر افکار خودشان را بیان میکنند

بنده عرض میکنم مادام که زبان رسمی مملکت ما زبان ایرانی است که در تهران معمول است و مادام که قاموس تازه برای زبان بنابر عباس وضع نشده ما مجبور هستیم که مردم را تابع این زبانی که رواج و مصطلح اینجاست قرار دهیم و بنا بر این صورت مجلس را به همین زبان که اینجا میفهمیم معنی میکنم و اگر بخوایم معنی دیگر کنیم لازمه اش این است که برویم در بنابر عباس مدتی تحصیل زبان آنجا را بکنیم و بعد برگردیم و بفهمیم . اصل اشکال من راجع به يك قسمت از صورت مجلس است که انجمن نظارت او را تصدیق نموده و نوشته است از دوم ربیع الثانی الی چهارم شروع باخذ آراء شده (از این قرار میفهمیم عملیات شروع شده) و ۸۹۳ رأی از ۹۱۶ رأی وصول (ایشرا فهمیدیم که این مقدار رأی دریافت شده) و ۲۳ رأی هم لاوصول گردید (فهم این قسمت هم ممکن است باصطلاح زبان بنابر عباسی یعنی نیاورند) سپس آراء را در صندوق گذارده مهر نموده از این عبارت چنین میفهمیم که ابتداء آراء را (بقول موافقین) در خارج یا در آسمان یا در دریا (وبعقیده مخالفین) در يك کیسه بازینی یا در سیدی جمع کرده و پس از

آنکه آراء جمع شد مطابق عبارتیکه در صورتجلسه نوشته شده سپس برداشته و در صندوق ریخته و مهر کرده اند آنچه که ما از این عبارت فارسی خیلی ساده میفهمیم و همه ما تصدیق می کنیم و معتقد هستیم این است :

بعضی از مواد قانون انتخابات قابل مسامحه است و با اساس انتخابات سکنه و اردنیاورد مثلا اگر عوض آنکه مدت اعلان را ده روز معین کنند هشت روز معین کرده باشند اینقدر را میبایم ولی فراموش نباید کرد که بالاخره اساس انتخابات در روی پایه رأی است اگر رأی مغفل شود و در زمینه رأی تردیدی برای کسی حاصل شود آنوقت از انتخابات چیزی باقی نماند فرق مابین آن متنبی که اوراق آرائش سه روز در خارج بوده و معلوم نبوده است کی بوده با آن کسی که از کوچه دستش را بگیرند و بیآورند در مجلس بشانند چیست ؟ هیچ ؟ فقط چیزیکه باید محفوظ بماند آراء انتخابیه است که باید مصون از هر نوع تعرض باشد آقای حاج شیخ - اسد الله و عده از آقایان دیگر میگویند از این عبارتیکه در صورتجلسه نوشته شده است چنین مستفاد میشود که آراء را مطابق سایر حوزههای انتخابیه مرتباً آورده و در صندوق ریخته اند اگر خود ایشان که کاملاً (بانهات درجه فصاحت و بلاغت) زبان فارسی را حرف میزنند بخواهند عبارت فارسی زبان خود بیان کنند که (آراء را قبلاً گرفته شده و در جای دیگر بوده بعد از آن وارد صندوق شده) بجه عبارت ذکر مینمایند ؟

بنده پنج دقیقه بایشان مهلت میدهم تا وقت فرمایند اگر توانستند عبارتیکه در ردیف همین عبارت باشد صورت دیگری بنویسند آنوقت بنده صحت انتخاب دستغیب و بندرعباس و هر چه را ایشان فرمایند تصدیق خواهم کرد اما اگر خودشان با تعبیر عبارت و کلمات بالاخره نتوانستند صورت دیگری بیان کنند آنوقت تصدیق کنند چون مقصود هیچیک از و کلام مبنی بر غرض نیست فقط مقصودشان حفظ مواد اصلی قانون است که بدون مراعات آنها بهیچوجه نمیشود معتقد بانخابات شد و چنانچه موافقینی در محل پیدا نمیشود که صحت انتخابات بندرعباس را تصدیق نمایند (آنوقت بدون هیچ سابقه با آقای دستغیب و با آرزوی اینکه در موقع تجدید انتخاب بندرعباس باز خود آوجود محترم انتخاب خواهند شد با مراعات قانون) ما مجبور بودیم انتخاب بندرعباس را لغو و رد کنیم ولی یکمده از رفقای ما قائل شدند که این عبارت قاصر از ادای مطلب است بنده هم شخصاً یکقدم با آن آقایان همراهی میکنم و میگویم چون شما مدعی هستید ومن منکر این هستم و در صورت حکمیت مرا در صورت ظاهر بک عبارت فارسی ساده کافی نمیدانید اجازه بدهید منم بگویم که تعبیرات شمارا کافی نمیدانم بنابراین خوبست حکمیت را به

تحقیقات معلی موکول کنیم چون ممکن است آقای دستغیب واقفاً خوب انتخاب شده باشند و ما بدون تحقیق ایشانرا بیجه رد کرده باشیم و ممکن است بواسطه قصور انجن نظارت رأی بدیم در حق کسی که در باره آن یکی از مواد اصلی قانون انتخابات مراعات نشده پس خوب است این مطلب را بگذاریم موکول به تحقیقات معلی بشود اگر حق با شما شد فها اگر حق با ما شد بقیه دارم که شامام با کمال میل با ما موافقت نموده و این انتخابات را ابطال خواهید کرد .

رئیس - دیگر اشکالی باقی نیست ؟
محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم .
رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه بفرماید)
محقق العلماء - بنده هم در زمینه موافقت با آقای دستغیب عراضی داشتم حالا که آقایان میگویند بماند به بعد بماند . آقا میرزا علی کازرونی اجازه بفرمائید بنده هم ...
رئیس - عده آقایان که اجازه خواسته اند زیاد است مذاکرات را کافی نمیدانید ؟ (عده گفتند کافی است)
سردار معظم خراسانی - پیشنهاد بنده را قرائت فرمائید .

رئیس - قبل از قرائت پیشنهاد باید معلوم شود مذاکرات کافی است یا خیر . آقایان مذاکرات را کافی نمیدانید ؟ (جمعی گفتند کافی است)
(آقای مستشار السلطنه پیشنهاد مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند :)
بنده پیشنهاد میکنم که رسیدگی باعتبار نامه آقای دستغیب برای داشتن فرصت تحقیقات معلی بتأخیر بیفتد . سردار معظم خراسانی .

فہیم الملک - عباد السلطنه - معتقد الدوله - امیر - ناصر - نصیر دیوان - میرزا ابراهیم خان - سهام - السلطان - سردار مفتاح - نصر الله شیبانی - شیخ - الاسلام - عہد الملک .
رئیس - نسبت باین پیشنهاد رأی بگیریم .
حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که این پیشنهاد ناصح باشد زیرا تأخیر انداختن رأی چه نتیجه دارد مجلس باید خودش اقدام کند یا برگردد بشعبه یا کمیسیونی تعیین شود و بنابراین تقاضا میکنم مغیر راپورت را پس بگیرد اگر میخواهند یک چنین اقدامی بشود در شعبه بشود و الا پس انداختن نتیجه ندارد و بجهة آنکه هر یک از و کلام نمیتوانند مستقیماً این اقدام را بکنند مگر در یک کمیسیونی که موظف به انکار باشد

رئیس - آقای مغیر چه میفرمائید ؟
جلیل الملک - بنده عقیده ام پس گرفتن بود ولی اکثریت شعبه بمن اجازه نداد .
رئیس - اگر باید بماند لابد بشعبه برمیگرد و تحقیقات در آنجا میشود اینطور پیشنهاد فرمودند
سردار معظم - بنده مخصوصاً در ذکر نکردن

معلی تحقیق متعدد بود زیرا که بنده معتقد به تحقیقات معلی هستم حالا اگر شعبه در حدود صلاحیت خود وجود خود را برای تحقیقات معلی کافی دانست تحقیق میکند و اگر کافی ندید آنوقت یک کمیسیون دیگری که صالح باشد تعیین میشود و چون فعلاً خودم از طرف شعبه نمیتوانم تکلیف این مطلب را معین کنم لذا بنده برای تحقیقات معلی پیشنهاد میکنم که رأی بتأخیر بیفتد حالا اگر اکثریت قبول کرد این پیشنهاد بنده را آنوقت در هر جا پرود اهمیت ندارد ابتدا میروم بشعبه (و بنده شخصاً معتقد که شعبه بتواند تحقیقات بکند) و از مجرای شعبه تحقیقات خواهد شد و الا برمیگرد به مجلس
رئیس - اگر شعبه رد کرد برمیگردد و در مجلس تکلیف معین میشود . رأی میگیریم کاین مسئله برای تحقیقات بشعبه برگردد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اقلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد عده اعتبارنامه در شعبات مانده که صورت مجلسشان نرسیده ولی بعضی دیگر مثل کرمان و یار فروش و خمسه و اصفهان و قمه و دماوند هم اعتبارنامه و هم صورت مجلسشان رسیده است و چون در دستور چیز دیگر باقی نمانده غیر از این دوسه فقره که نسبت به آنها مخالفت شد و اینها هم در جلسه دیگر شاید تکلیف معین شود این است که از شعبات خواش میکنم اعتبارنامه آنها بیکسکه بالتکلیف مانده آنها را هر چه زودتر معین فرمایند که کارهای مجلس عقب نیفتد و هر چه زودتر مجلس رسمیت پیدا کند . پس فرامد باید حضور علیحضرت همایونی مشرف شویم و چون معمول است که یک هیئتی بقرعه معین شود سه نفر از هیئت رئیس و مابقی شش یا نه نفر دیگر هر چند نفری که مجلس تصویب میکند بقرعه معین خواهند شد (گفته شد شش نفر کافی است)
رئیس - شش نفر کافی است ؟ مخالفی نیست (گفته شد خیر)

آقای مستشار السلطنه شروع باستقراغ نموده و آقایان ذیل بحکم قرعه معین شدند
آقای فہیم الملک - آقای حائریزاده
قدین - آقای حائریزاده هم غائبند هم مرضی آقای میرزا محمد صادق طباطبائی - (گفته شد غائبند)
آقای سید حسن مدرس
رئیس - آقای سید حسن مدرس جزء هیئت رئیس هستند
آقای آقامیرزا محمد نجات - آقای مشیر الدوله - آقای مستشار السلطنه - آقای آقا شیخ محمد حسین استرآبادی (گفته شد غائبند)
آقای فرج الله خان سردار معظم کردستانی - آقای سردار معظم خراسانی
آقای حکیم الملک
رئیس - آقای حکیم الملک جزء هیئت رئیس هستند .
آقای مستشار الملک (گفته شد غائبند)
آقای حاج شیخ اسدالله

رئیس - جلسه روز سه شنبه ساعت قبل از ظهر خواهد بود
محمد هاشم میرزا - فرمودید چه وقت ؟
رئیس - سه شنبه ساعت بظهر
(جلسه يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک
جلسه ۱۴
صورت مشروح مجلس یوم ۳ شنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۹ مطابق ۲۴ اسفند ۱۳۰۰
مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید .
(صورت مجلس یوم شنبه هشتم ذیحجه را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا نیست (اظهاری شد) صورت مجلس تصویب شد . راپورت هائیکه در جلسه قبل قرائت و مخالف داشت بنام امروز رأی بگیریم . اولاً راجع به آقای عباد السلطنه از اصفهان آقای تدین مخالف هستند ؛ **قدین -** مخالفت بنده با اعتبار نامه آقای عباد السلطنه از این نقطه نظراست که ایشان واحد یک شرط از شرایط انتخاب شوند گان نیستند همه آقایان میدانند ایشان مدتی در اصفهان امین مالیه بودند و در مدت تصدی ایشان مطابق اطلاعاتیکه بنده دارم و شاید يك سلسله اسناد هم برای مدرک اطلاعات من موجود باشد ایشان يك اقداماتی کرده اند که آن اقدامات کاملاً بر ضرر دولت بوده و بواسطه اینکه حتی الامکان از نزاکت نمیخواهم خارج شوم و قضایا را بطور مفصل عرض کنم بهتر میدانم که بطور اجمال و اختصار يك سلسله مطالب را در این زمینه عرض کنم اقدامات ضرر آمیزی که ایشان کرده اند در مالیه اصفهان نسبت بخالصجات انتقالی است . همه آقایان میدانند که از زمان فتحعلی شاه تا ابتدای مشروطیت خالصجات دولت بعنوان مغفله در مقابل يك ثمن های بخش مثل چند اشرفی یا چیز های دیگر مطابق يك فرمان شاهی به بعضی اشخاص واگذار میشد و در آن فرامین شاهی برای اینکه انتقال خالصه در واقع در مقابل هیچ بوده مقرر شده است که عایداتی که دولت از آن خالصات برداشته است بعنوان مالیات بردارد مالکین باشد که آنها بعنوان مالیات میردازند اشخاصیکه صاحبان خالصجات انتقالی بودند تا ابتدای مشروطیت بعنوان مغفله متعسف میشدند و حتی الامکان از ادای آن مقداریکه در فرامین شاهی بود استنکاف مینمودند گاهی بعنوان تخفیف گاهی بعنوان تعمیر یا عناوین دیگر يك مقدار از آن مالیات را نمی پرداختند و یا مقدار کمی میدادند تا اینکه مجلس اول این قضایا را لغو کرده و مطابق مقررات مجلس همینطور بود تا سنه ۱۳۳۱ هیئت دولت وقت يك تصویب نامه صادر کرده در تحت ۳ ماده و ماده سوم آن راجع بر این بنده است در آنجا تصریح میکند که اشخاصی که از کثرت مالیات خالصجات انتقالی شکایت کرده اند آنها مسئله شکایاتشان قبل از این تصویب نامه است بایستی نصف عایدات خودشان را بعنوان مالیات بدولت بپردازند و بعضی های دیگر را بصورتیکه در خود

تخفیف داده اند و آن تصویب نامه از تاریخ ۱۳۳۱ باینطرف بدو قسم تقسیم شد یکقسمت آنها را هستند انتقالی بدو قسم تقسیم شد یکقسمت آنها را هستند که مطابق فرمان بایستی کلیه عایداتشان را بدهند و یکقسمت دیگر هستند که نصف عایداتشان را بدهند در این اثنا از بعضی از آقایان صاحبان خالصجات انتقالی که نصف عایدات خودشان را میدادند يك شکایاتی در دو سال قبل رسید (همچنین در يكسال قبل هم شکایت رسید) از طرف وزارت مالیه متعدد المالیه صادر میشود مبنی بر اینکه ترتیباً این شکایات نهند و بایستی بموجب مقررات آن رفتار کنند از آن جمله از اصفهان نصف عایدات را بایستی بعنوان مالیات بدهند (و گویا مالیه ۴ یا ۵ مالیه اصفهان بایشان دستور میدهند که شامعین بفرستند آن چند قریه را معیزی بکنند و موافق معیزی رفتار کنید از طرف ایشان عوض آن چهار قریه ۲۸ قریه از خالصجات انتقالی که شامل آن قسمت بوده اند معیزی شده معیز صورت معیزی خودش را بدارد مالیه تسلیم میکند این را هم عرض کنم معیز تنها نبوده ۳ نفر هم معین شده و رفته اند از اینجا است که مطلب قدری فرق میکند مطابق اسنادیکه در دست است آقای عباد السلطنه برخلاف آنقدریکه معیزی شده یعنی کمتر از آنقدریکه معیزی شده (در صورتی که آنقدر هم که معیزی شده است کمتر از مقدار جزء جمع همیشه بوده) و يك احکامی بدست مؤدیان مالیات این ۲۸ قریه میدهد که برای اطلاع آقایان بعد از جزو جمع و آنقدریکه گرفته اند عرض میکنم در موضوع نقضی اطلاعات کامل ندارم و داخل مذاکرات نمیشوم اما در موضوع جنس جزو جمع که ایشان باید وصول کنند با گندم دو هزار و چهار صد و سیزده خروار و هشتاد و هفت من جو یک هزار و هفتصد و خروار و شصت و شصت من سایر حبوبات هم تقریباً چند صد خروار و شصت و شصت من است که ایشان بعد از تعیین مقدار معیزی شده میدهند از این مقدار جزو جمع خیلی کمتر است گندم منتهی شده چهارصد و بیست و چهار خروار و پنجاه و هفت من و جو منتهی شده چهارصد و شصت خروار و بیست و هفت من تفاوت عمل در گندم یک هزار و نهصد و هشتاد و نه خروار و سه من و جو یک هزار و دویست و هفتاد و خروار و سی و سه من در ذریاک و جوزق و شلتوک و بقیه حبوبات هم این قضایا اتفاق افتاده است در این بین فیما بین ایشان و معیز اختلاف واقع شده و معیز حبس شده از آنجا بظهران آمده و يك صورت هائی بوزارت مالیه داده است در دو ازدم دلو سال گذشته قبل از جمعی امسال کمیسیونی در وزارت مالیه از رؤسای ادارات تشکیل شده است آقای عباد السلطنه را در آنجا حاضر کرده اند ایشان اظهار نموده اند احکامیکه من داده ام موافق بوده است با آنقدریکه هیئت معیز معین کرده اند در این ضمن وزارت مالیه از رئیس محاسبات مالیه اصفهان صورت اوراق معیزی شده و صورت مینوت احکامی که ایشان داده اند میخواهند پس از ثبت در دفاتر آنجا بوزارت مالیه طهران ارسال نمایند والا این دروزارت مالیه ضبط است آنچه که بنده اطلاع دارم این است که موافق تطبیقی که شده اختلاف دارد تا آنچه که ایشان اظهار کرده اند در صورتیکه در خود

احکام ذکر شده است مطابق تشخیصی که هیئت معیز داده اند اینطور باید بدهند معلوم میشود احکامیکه داده اند خیلی کمتر از آن مقدار است که هیئت معیز تعیین کرده اند دفعه دوم کمیسیون بنا برود است تشکیل شود مصادف میشود با آمدن آقا سید ضیاء الدین آقا سید ضیاء ایشانرا گرفته حبس کردند . حالیه علت حبس چه بوده است معلوم نیست ولی بعد که مطلع شدم يك کمیسیونی خواستند تشکیل دهند بواسطه بعضی عوائق موفق به تشکیل کمیسیون نشدند در بیست و چهارم جوزای همین سال کمیسیون نباشد تشکیل شود ولی ایشان حاضر نشدند درسی و یکم جوزا کمیسیون مجدداً تشکیل شد باز هم ایشان حاضر نشدند و قتیکه بایشان اطلاع داده شد اظهار کردند که آن معیز چون آدم صحیح العالی نیست من با او حاضر نمیشوم و موافق اطلاعاتیکه دارم شاید محکمه باز هم تشکیل شده باشد (بدون اینکه بنده در اطراف این قضایا وارد بشوم عرض می کنم این است خلاصه اطلاعات من) حقیقتاً نمی دانم ایشان در این تخفیفی که نسبت بصاحبان خالصجات انتقالی داده اند محق بوده اند یا نبوده اند يك جمله دیگر هم لازم است که ضمیمه بکنم فراموش نکردم و آن این است که هشت قریه و فیه دیگر را هم معیزی نکرده تخفیفاتی داده اند که مجموعاً سی و شش قریه میشود چون حقیقه معلوم نیست که ایشان محقق بوده اند در این اقداماتی که کرده اند و این اقداماتشان بر نفع دولت یا بر ضرر دولت بوده است یا نشان حسنه بوده است یا نبوده چون بنده اینها را نمی دانم البته بعد از اینکه نتیجه معاکمه اداری معلوم شود معلوم خواهد شد که ایشان محق در این اقدامات بوده یا نبوده اند عجلتاً چون این تردید برای بنده موجود است بنده به معاکمه معتقد هستم قبل از معاکمه هیچ ترتیبی اثری بانتخاب ایشان نمی دانم بدیم و نسبت بایشان نمی توانم رأی بدیم و عجلتاً ایشان مظنون هستند بنابراین مخالف هستم با اعتبارنامه ایشان و در باره ایشان رأی نمی دهم .
رئیس - آقای سردار معظم خراسانی راجع بتصویب نامه گویا حرفی دارید .
سردار معظم - بلی مختصری .
رئیس - چون اظهار جناب عالی راجع بتصویب نامه است و راجع به اصل مطلب نیست آقای عباد السلطنه باید اظهارات خودشان را بنمایند
عباد السلطنه - اعتراضی که آقای تدین فرمودند آن قسمت اولش را راجع باینکه دولت خالصجات راجع شرطی و در مقابل چه واگذار کرده است بنده تصدیق میکنم اما راجع بحکمی که صادر شده است در يك جا میفرمایند حکم شده در بعضی املاک از قراض نصف بپردازند صحیح است همینطور هم هست در جای دیگر میفرمایند از قراض بدیست اینطور نیست حکمی که با داده مالیه اصفهان و سایر ادارات مالیه رسیده بعضی ها نصف و بعضی ها صد هشتاد است و اما اینکه فرمودند يك حکمی از وزارت مالیه راجع باینکه شکایات را اداره مالیه مورد توجه قرار ندهند و تمام و کمال مالیات را دریافت کنند به بنده رسیده اینطور نیست حکمی است که با داده مالیه

اصفهان در زمان تصدی بنده و زمان وزارت آقای حکیم‌الملک متجدد المالی با مضای خود ایشان رسیده که تمام ادارات مالیه ابلاغ شد که در آنجا تمام شقوق مالیات را ذکر میکنند . در بعضی میگویند صد هشتاد در بعضی میگویند صد نصف منتفی در آن حکم اسم برده میشود که این حکم کلیه راجع بکنند و جونیست و راجع بتریاک و ینبه و شلتوک و تمام چیزها است ولی این حکم را تا یکدرجه ناقص نوشته اند زیرا کلیه هرملکی یک مالیات نقی و یک مالیات جنسی دارد در مقابل مالیات جنسی البته بکنند وجود دریافت میشود در مقابل مالیات نقی اگر تریاک یا جوزق و سایر صیفی ها را مالیه ضبط کند دیگر مالیات نقی را نباید بگیرد چرا که تمامش را مالیه عیناً دریافت کرده اداره مالیه اصفهان بدون حکم مرکز نمی تواند یکشاهی نقی تخفیف بدهد یا یکشاهی جنس تخفیف بدهد اما مسئله مهم راجع به تخفیفات جنس است که بن نسبت داده بنده اولاً عرض میکنم در سته بیچی میل بیشکاکر مالیه اصفهان بوده ام ۱۱ سال پیش از این اداره مالیه در اصفهان تشکیل شده رجوع نماینده به ثبت دفاتر اگر در این ۱۱ سال بهتر از این سال داشتند به بنیمن من بیشتر وصول کرده ام یا آنهائی که سابق بوده اند اگر ایراد به بنده وارد است چرا به آنها وارد نیست اگر ایرادی به بنده دارند برای جوابش حاضر و بدینگران کاری ندارم شاید بغلی اشخاص ایراد دارند و تمام ایرادشان هم وارد نیست ولی نسبت بخود هر ایرادی باشد حاضریم که تحقیق و رسیدگی شود و اما اینکه فرمودند جزو جمع ۲۴۱۳ خروار و ۸۷ من گندم و ۱۷۳۰ خروار و ۶۰ من جو بوده این را بعداً نام از روی چه صورت فرمودند جزو جمع ۱۱۰ اصفهان اینطور نیست جزء جمع اصفهان قریب (۸۰۰۰) خروار است تفصیل خالصات انتقالی را حالا عرض میکنم در اصفهان تا زمانی که میرزا اسدالله خان بیشکاکر مالیه معلی بوده در حقیقت ۲۰ سال بیشکاکر مالیه بوده همه ساله جنس اصفهان را تا دینار آخر وصول میکرد باینطور فلان شخص (۳۰) خروار جنس بنده کار بود در مقابل صادر و مستمری کا طلبکار بوده در اول میآید آن صادر و مستمری خود را قبض صادر میکرد مازادش را آنچه مدیون میشد به مالیه اصفهان بول میرزا اسدالله خان از قرار خرواری سه یا چهار یا ۵ تومان تسعیر میکرد در مصافا می گرفت و تقریباً ۴ ماه که از سال میگذشت بهیچوجه من الوجود مالیه اصفهان جنس طلبکار نبود در دست تمام مؤذیان مالیاتی مفاصا بود باین ترتیب مالیه اصفهان اداره میشد بعد که مستر هایک انگلیسی آمد به اصفهان شروع کرد بوصول مالیات و بمعوم مالکین و مؤذیان مالیاتی اخطار کرد و از روی یک جزء جمعی که از دوست سال قبل که از خانواده مشیرالملک پیدا کرده بود از روی آن جزء جمع مطالبه مالیات کرد معلوم است با جزء جمع حالیه اصفهان تفاوت خیلی کلی داشت مردم بظهران شکایت کردند . در این موقع حکومت هم مخالفت کرد و اورا تبرید دادند بعد که بنیل آمد در آن موقع جمعی از ملاکین نزد کرنیل رفتند و گفتند ما که همه ساله میتوانستیم مالیات را تمام و کمال بپردازیم برای این بود که میرزا اسد الله خان خرواری چهار پنج تومان جنس را با ما تسعیر میکرد

و شما میخواهید تمام جنس را از ما تحویل بگیرید و ما نمیتوانیم و استطاعت نداریم کنترل عمداً یا سهواً نمیدانیم از این اظهارات آقایان ملاکین برای دولت سوء استفاده کرده ممیزی درمحل فرستاد که تحقیق کنند به بینند اظهارات آقایان حقیقت دارد یا نه . اتفاقاً ممیزین رفتند و تصدیق مالکین را کردند و راست هم میگفتند مالکین این اندازه نمیتوانستند از هفده برآیند اما همین طور که آقای تدین فرمودند این املاک را دولت بشرط تأدیه این مالیات بامال الاجاره بملاکین واگذار کرده بود و آنها با نیابستی قبول کردند و ملک را واگذار کنند یا باید مالیات و مال الاجاره را حیناً هر چه هست بولت تأدیه بنمایند . کرنیل در آن سال بچند نقری تخفیفاتی را و ملاکین باز گرفتند که از اصل مالیات و جزو جمع هم میتوان تخفیف گرفت بعد یکفربلویکی (دلی نام) آمد او هم که آمد درشماه اول سال که آنجا بود همان معامله کرنیل را با مردم تجدید کرده بعد از ایشان یکفرب (با که نام) آمد خواست این معامله را با مردم نکنند و گفت برخلاف حکم دولت است ملاکین بدولت شکایت کردند در آن وقت وزارت مالیه مطلع شد که کرنیل بیشکار مالیه یک چنین معامله را با مردم کرده است این مسئله در زمان ریاست وزرائی مرحوم علاء السلطنه بود و متجدد المالیه باصفهان بلکه بشما ولایات صادر شد (و موضوعش راجع باملاک مرحوم محمد حسین میرزای مؤبد الدوله بود) و باصفهان هم ابلاغ شد از آن بگذر همه ساله معمول شد که اول هر سال اداره مالیه مأمور بر سر املاک میگذاشت و در هر دهی مال هر کسی میخواهد باشد ممیز میفرستاد که ممیزی کند اگر ملک جزو آن قسمتی بود که صد هشتاد باید بپردازند صد هشتاد میگرفتند اگر نصف باید باشد نصف مطالبه میکردند در سال گذشته بنده هم برخلاف این نکردم و همان ممیزی را که میفرستادند مادرشهم نفر ممیز محلی بشما فرستادیم از جمله یک قریه که اسمش (زقمار) است و ملک دولتی است و اجازه داده بودند میرزا فضل الله خان عطاء الملک به (۱۴۵) خروار در آن سال عطاء الملک شرحی بمالیه نوشت که چون اجازه من شرط آفت دارد و امسال بقدر اجازه که کرده ام عایدات ندارد نباید به تصدیق مصدقین با من رفتار بشود و خواهش می کنم که ممیزی بفرستید به بینید عایدات آنجا چیست بندهم همان ممیز را پادشاه نفر دیگر بآنجا فرستادم که ممیزی کند پس از ممیزی یک صورتی آوردند که بعد از وضع بذر عایدات آنجا را (۲۹) خروار نوشته بود . صورتها را دادند . بنده عطاء الملک را خواستم که عین این صورت را از او بگیرم استنکاف کرد و گفت این صورتی که ممیزین داده اند صحیح است ولی فئات ویل و غیره هم مخارج دارد این مسئله هم بنظر من موجهل ماند تا یک شخصی بمن اطلاع داد که مسئله (زقمار) را نصر الله خان ممیز

تقلب کرده است و تقریباً پنجاه خروار کمتر صورت داده و معادل پنجاه تومان هم برای این کار گرفته بنده فرستادم که خدای آنجا را آوردند ویرسیدم امسال عایدات (زقمار) چقدر است جواب داد که من از عطاء الملك اجاره کرده‌ام و اجاره نامیه دارم . اجاره نامیه را که در آورد دیدم که (۱۴۷) خروار از عطاء الملك اجاره بود و قبوض ۳ دانکش را هم از جیبش در آوردند چون بنده کسالت داشتم بمعاون مالیه نوشتم و آن اجاره نامه را باقبض جوف پاکت گذاشته بمالیه فرستادم و گفتم که خدا و میرزا نصرالله را در مالیه بخوانند و تحقیقات کنند عصر بن اطلاع داد که تحقیقات کردیم و معلوم شد که جای انکار نیست و عایدات آنجا مطابق قبوض رسیدنی است که خدا داده هیچ جای سؤال و جواب نیست . بنده گفتم میرزا نصرالله را باید توقیف کرد و گفتم این مقداری که در آنجا بدولت خسارت وارد آمده یا از عطاء الملك باید گرفت یا از همین ممیز یا هر کس را که دولت معین کند او را توقیف کردند و بنده فوراً واپسوت کتبی بوزارت مالیه نوشتم اتفاقاً هفتم هشتم ایام شاورا بود دوسه نفری خواهش کردند که میرزا نصرالله را مرخص کنید که روز دوازدهم بیاید و رسیدگی کنید بنده اطاعت کردم تا روز چهاردهم که مالیه مفتوح شد در مالیه رفته فرستادم میرزا نصرالله را بیاورند که با حضور رئیس خالصه و دوسه نفری از رؤسای مالیه رسیدگی شود جواب آمد که میرزا نصرالله بطهران رفته است در آن موقع بنده تلگرافات شخصی به آقای حکیم الملك که در آن زمان وزیر مالیه وقت بودند و بفرمانداری و وزارت مالیه مغایره کردم اتفاقاً طولی نکشید کابینه آقای مشیرالدوله مستعفی شده و قهر این کار طول می کشید تا روز بیستم معین شود بنده هم بطهران آمده و شرحی بوزارت مالیه نوشتم که چون این مسئله را من تعقیب کرده‌ام باید رسیدگی شود اینکه فرمودید وزارت مالیه مراد دوازدهم دلخواسته است اینطور نیست وزارت مالیه به بنده می نویسد بطوریکه خودتان تقاضا کرده‌اید روز دوازدهم دلوری برای دادن توضیحات بوزارت مالیه حاضر شوید بنده هم حاضر شدم اشخاصی که آنجا بودند حاضرند نمرده اند یکی میرزا حبیب الله خان علیا آبادی یکی مدیر الملك و یکی دو نفر دیگر از این اشخاص بودند ممکن است تحقیق کنید پس از اینکه بنده از وزارت مالیه بیرون آمدم گفته بودند که این ممیز کاملاً محکوم است و اما اینکه فرمودند بنده (۱۲۴) خروار گندم و (۴۶۰) خروار جو وصول کرده ام مقصود از این وصولی چیست وصولی در سته بیچوئیل با وصولی در شاه شاه مأموریت بنده را فرمودند ؟ وصولی شاه شاه هیچ دلیل نمیشود بواسطه اینکه عمده جنس اصفهان در برج اسد و سنبله وصول میشود یعنی وقتی که از خرمن خارج میشود و یکی دو ماه بعد یعنی تا آخر میزان که بنده آنجا متصدی بودم خیلی کم وصول میشد آقا باینکه از امور مالیه مسبوق هستند میدانند که در یکماه با یکماه و نیم هشتصد نمصد

خرواز جنس وصول کردن هم چون کار سهلی نبوده در اول عقب بنده نبودم دیگری که بجای من بوده محققاً باز وصول کرده و مسلماً بیش از ایشم مقدار وصول شده و وقتیکه نسبت بسال جاویر مقایسه کنیم می بینیم بیشتر از ثنات قبل هم عاید شده اما اینکه میفرمایند کمیسیون در زمان آقا سید ضیاء الدین بنا بود تشکیل شود و نشد یعنی چه آقا سید ضیاء مرا میگرفت و در نظریه جنس میکرد کمیسیون میخواست تشکیل بشود نشد؟ آری بنده هم چون نفوذ و احاطه داشتم که آنجا بروم و کمیسیون را بتأخیر یاندازم؟ بعلاوه بنده يك ادعائی میکنم که هیچ کس نمیتواند بکند در این دوازده سال در همه جا مفتش فرستادند و شاید نباشد يك نفر رئیس مالیه که مفتش بیاند و از او خوب بگویند در موقعیکه مستشار های انگلیسی آمده بودند یکنفر آمد که اسمش مستر هارت بود بایک قهر و غصب فوق العاده وارد مالیه اصفهان شد و فوراً با کمال عجله تمام دفاتر و نوشجات بنده را داد مهر کردند و تمام دوسیه ها را توقیف کرد و خودش هم همه روزه از یکساعت از آفتاب گذشته تا یکساعت بعد از ظهر (چون ایام تابستان بود) اداره مالیه آمده و رسیدگی بدفاتر میکرد و تا دوازده روز ابتدا نزدیک اطاق من هم نمیآمد دوست هم بمن نمیداد (از خودش یا باشخاصیکه در طهران گفتند و حاضرند تحقیق نمایند) بعد از دوازده روز آمد درب اطاق بالا و اظهار خوشحالی میکرد گفت من دزدی تو را سه قران بیداکردم که از یول نوافل فلان ماه نداده و يك تصدیق مفصلی برای من نوشته است که من در ایران تصور نمیکردم که يك جوان ایرانی بتواند اینطور اداره کند والان تصدیق او حاضر است و اما اینکه میفرمایند کمیسیون هائی منعقد کرده اند و بنده حاضر نشدم خیلی بیشتر اسباب حیرت بنده شده فقط يك کمیسیون تشکیل شد و یکدفعه بمن اطلاع دادند و همینطور که فرمودند نوشتم خیلی جای افسوس است يك نفر میزری که آنطور دزدی واضح کرده و تمام اهالی اصفهان از علماء و غیره تصدیق دارند دوسیه او را باصرا و فشار واداشته ام آورده اند اینجا ابدأ مراجعه نشده و تحقیق نکردند که به بیاند بنده راست میگویم یا دروغ میگویم و اما اینکه میفرمایند بنده هشت قریه را بدون حکم میزری کرده ام یا در مسئله چهارقریه فقط حکم آمده ابدأ این مسئله وجود خارجی ندارد که از وزارت مالیه حکم شده باشد چهار قریه را رسیدگی نکنید و بایقی دیسکر حکم تخفیف داده باشم این چیزی است معمول همه سال در آنسال هم حکم آمد که نفرستید میزری کنند آنجا یکصد هشتاد است صد هشتاد بگیرید جائیکه نصف است نصف بگیرید وبعلاوه يك مسئله دیسکری هم هست آری در این مدت چهارده سال مشروطیت تنها من یکنفر بیشکمار مالیه بوده ام که ابواب جمعی داشته ام یا بازهم بوده اند بنده عرض میکنم راجع بمن یکنفر قرار بگذارید زودتر از همه رسیدگی شود قدری با همین امروز قرار بگذارید که کمیسیون از اشخاص معلم تشکیل بشود و دستگیر کنند اگر کمیسیون

بنده را محکوم کرد بقصری که جنبه مالی نیست دادید
در اصفهان تخفیف دادم اینقدر دارائی دارم که بدهم
اگر محکوم شدم از مال خودم خواهم داد تا کسی
حرفی نداشته باشد.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید؟
محمد هاشم میرزا - بنده راجع به تصویرنامه
عرض داشتم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟
حاج شیخ اسدالله - خیر بنده موافقم.
رئیس - آقای تدین اجازه (نطق) -
تدین - بنده تصور میکنم آقای عمادالسلطنه
الثقات به ریاض بنده فرمودند و سوء تفهیمی بر ایشان
حاصل شده بنده فقط همان سوء تفهیم را میخواهم رد
صکنم عرض دیگری ندارم. اولاً فرمودند نسبت
به تصویرنامه بنده در يك قسمت آن اشتباه کرده ام که
گفته ام صد بیست صحیح است بنده عرض کردم يك
قسمت را صد بیست با صد سی تخفیف دادند و ایشان
مبفرمایند بعضی نصف و بعضی صد هشتاد گرفته شود
فرقی نمی کند صد هشتاد گرفته شود یا صد بیست
تخفیف داده شود - تصور میکنم هر دو یکمیزان باشد
بهر حال عجالتاً در این باب حرفی ندارم ولی چیزیکه
لازم است راجع به تصویرنامه تذکر بدهم و فراموش
کرده ام عبارت از اینست که بمبوسه (تسمیر میکنند)
در صورتیکه آن تسمیر متناسب باشد با آن مزبیکه
در فرمان نوشته شده (فرمودند که بنده صورت جزء
جمع را که اظهار کردم معلوم نیست از روی چه صورت
بوده و فرمودند جنس مالیاتی اصفهان خیلی زیادتر از
اینست بنده جزء جمع جنس مالیاتی اصفهان را عرض
نکردم که مبفرمایند خیلی زیاد تر بوده جزء جمع
خالصجات انتقالی را عرض کردم. گفتم جزء جمع اینقدر
بوده و احکامی که ایشان داده اند اینقدر بوده اهم از
اینکه ایشان وصول کرده باشند بنده مدعی العموم
مالیه نیستم و نمیخواهم که این جا این قضیه را معاکه
بکنم یک جریانات و یک اسنادی هست که بنده دیده ام
و دارم و نمیخواهم وارد در این جریانات شده و قسمت
های دیگر را هم تعقیب کنم ولی یک نکته را بایشان
تذکر میدهم و تصور میکنم ایشان اشتباه کرده اند و
شاید خودشان هم معتقد باین اشتباه باشند و آن این است
که فرمودند (آن شخص انگلیسی آمد و رضایت نامه ای
بمن داد و گفت فقط سه قران دزدی تو را پیدا کردند)
البته سهو فرموده اند والا اگر از روی حقیقت باشد
سه قران با صد هزار تومان هیچ فرقی ندارد.

عمادالسلطنه - اولاً اینکه آقای تدین يك
چیزی راجع به تسمیر فرمودند هیچ مسئله تسمیر نیست
و هم چنین گفته اند جزء جمع راجع به جنس خالصجات انتقالی
را فرمودند عرض میکنم در اصفهان جنس بدهی غیر
از خالصه انتقالی نیست در اصفهان هر چه هست خالصات
انتقالی است و دیگر راجع با حکام فرمودند مقصود
احکامی است که در آن زمان داده شده البته کسی
که بعد از بنده با اصفهان رفته باز احکام صادر کرده

و مالیاتی وصول نموده است .

رئیس — آقای حاج آقا (اجازه نطق) .

حاج آقا — بنده با این مذاکرات اساساً مخالفم بنده اصولاً رسیدگی باعمال نماینده کان دولت را که طرف سوء ظن واقع میشوند (چه در مجلس شورایملی عضو باشند یا نباشند) یکی از مسائل فوق العاده لازم می شمارم ولی این مطلب را هیچ مربوط بترتیب اعتبار نامه نمیدانم (چه اعتبارنامه تصویب بشود یا نشود و چه جریان انتخاب صحیح باشد یا نباشد) نمایندگان که طرف سوءظن یک نفر نماینده دیگر یا یک وزارتخانه و یا هر یک از افراد ملت واقع میشوند میتوانند ادعای بیعتی را که راجع با دعای خود دارند با دارم مربوطه بفرستند بنده هم تمام این مذاکرات را در موضوع اعتبارنامه زائد میدانم و چنانچه رفیق محترم من آقای تدین فرمودند در نظر باینکه دارند هنوز تردید دارند و برای خودشان هم قضیه هنوز ثابت نشده و البته از نقطه نظر رای دادن هم گمان میکنم اشکالی برای ایشان موجود نباشد بجهت اینکه اگر یک مطلبی برای یک نماینده ثابت نشده باشد در هنگام رای دادن گرفتار فشار وجدانی نخواهد شد ولی راجع بمحاکمه خود بنده فیما بعد جداً این مسئله را تعقیب خواهم کرد خود آقای عمادالسلطنه هم که فرمودند برای رسیدگی حاضرند و البته استنکاف از محاکمه ندارند .

رئیس — آقای سردار معظم خراسانی می-خواهند توضیحی بدهند .

سردار معظم — خیر بنده فعلاً عرضی ندارم .

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) .

محمد هاشم میرزا — بنده راجع بتصویب نامه عرض دارم .

رئیس — تصویب نامه موضوع بحث نیست ؛ آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق) .

آقای حاج شیخ اسدالله — نظریه بنده همان است که آقای حاج آقا فرمودند تصور میکنم این مسئله هیچ مربوط بجریان انتخابات یا صحت و سقم آن نباشد این مسئله محاسبه ایست البته وزارت مالیه باستی باعمال هر یک از مأمورین خودش رسیدگی نماید خود آقای عمادالسلطنه تقاضا دارند ک رسیدگی بمحاسبه ایشان بشود تا در صورتی که یک تخفیف بیوردی داده باشند از مالیه خود جبران خسارت را بخواهند و بنده تصور میکنم مذاکرات کافی بوده و باید رای گرفته شود

رئیس آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟

قدین — بنده عرضی دارم و میخواهم از بیاناتی که آقایان فرمودند دفاع نمایم .

رئیس — بفرمائید .

قدین — بنده در عین اینکه نمی خواستم وارد در جریان انتخابات شوم بطور خلاصه عقاید و اطلاعات خود را بگویم و اینکه از تراکت خارج شوم اظهار داشتیم ولی بتدریج می بینم که مذاکرات رفقا بنده را وادار میگفتند یک سلسله مذاکراتی بمنامند ولی مملکت بنده

خود برای حفظ حیثیات مجلس شورای ملی مصیبتی نشده و از پارتی‌ها و مسائل خود داری می‌کنم ولی اینکه میفرمایند این مسئله مربوط به انتخابات نیست بنده عرض میکنم مربوط است ولی بنده نمیخواهم داخل دوا این مذاکرات شوم می‌فرمایند اثبات مسئله بر خودش معلوم نیست مسئله اگر بر بنده معلوم نمیشد این عرض را نمیکردم بنده هم معتقدم که امور از مجرای خودش بایستی جریان پیدا نماید و مجرای این امور محکمه صالحه باید باشد که بعد از تحقیق رأی خود را بدهد و الا بنده تا اسناد معتبره در دست نداشته باشم کاملاً معتقد به صحت آن نباشم مذاکره را صحیح نمیدانم و تاکنون بر خلاف این عقیده رفتار نکرده ام باین حال و بعد از این مذاکرات این مطلب را برای مجلس و گذار می‌نمایم.

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟ (گفته شد کافیست) رأی میگیریم که مذاکرات کافی است یا خیر. آقایانی که عقیدهشان بر اینست که مذاکرات کافی است قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند). مذاکرات کافی شد.

رئیس - رأی میگیریم به رایزنتی که آقایانیکه نمایندگی آقای عماد السلطنه را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. راجع به اعتبارنامه آقای معتمد السلطنه که در جلسه قبل در ایورت آن قرائت شد مخالفی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - پس معلوم شد مخالفی نیست که در جلسه قبل نسبت به نمایندگی آقای معتمد السلطنه مخالفت نموده بودند در مجلس تشریف نداشتند.

آقا شیخ جواد - بنده مخالفم.

رئیس بفرمایند.

آقا شیخ محمد جواد - راجع به جریان انتخابات در موضوع آقای معتمد السلطنه هیچ اظهاری نخواهم کرد برای اینکه میدانم تمام نکات قانونی در نوشتن صورت مجلس مراعات شده ولی اظهارات من محدود خواهد بود بعد از شرایطی که نمایندگان بموجب قانون بایستی دارای آن باشند بقیه بنده توجه به آن شرایط الزم از توجه به جریان انتخابات است اگر در بعضی از نقاط چهار روز بعد از اعلام بواسطه کوچکی محل تعرفه داده شده باشد قابل اغماض است ولی اگر یک نفر از نمایندگان فاقد یکی از شرایط معتمد السلطنه فاقد بعضی از شرایط قانونی میباشد یکی از آن شرایط معروفیت محلی است. در تمام خاک در جزو کلیه نقاط مختلف آن که یک حوزه انتخابیه را تشکیل میدهند آقای معتمد السلطنه از آن نقاط دارای (۱۳۸۷) رأی هستند - هشتاد و هفت نفر ایشان را بنده شناسانده و بقیه بنده باین هم معروفیت فهمیدم این نکته که جریان انتخابات آنجا بر روی چه اصلی بوده برای آقایان چندان اشکالی ندارد و نخواهد داشت شرط دوم که بقیه بنده هم شرط

اولی است ماده ششم نظامنامه انتخابات است که می‌نویسد باید نماینده معروف بامانت و درستکاری باشد در این موضوع عرض بنده فقط مبنی بر مسووعانی است که از روز و روز و بطهران (بدون اینکه سابقه اعمال زندگی ایشان داشته باشم) هر کسی را که ملاقات کرده ام این مطلب را تصدیق نموده چون اطلاعات آقایان را در این موضوع به مراتب بیشتر از خود میدانم وقت مجلس را بیش این توضیح نکرده همبقتن عرض میکنم که بنده از هیچ نقطه نظری نماینده کی آقای معتمد السلطنه را با فاقد بودن دو شرط مهم از قانون انتخابات تصویب نمی‌کنم.

رئیس - مخبر شعبه گویا تشریف ندارد (در این موقع آقای تدین مخبر شعبه وارد شده و اظهار نمودند بنده نبودم و نمیدانم چه اعتراضی فرموده اند تا مدافعه نمایم).

آقا شیخ محمد جواد - راجع به معروفیت محلی بوده.

تدین - راجع به معروفیت محلی آقای معتمد السلطنه نظایر خیلی دارند بنده مجبور هستم دفاع نمایم در صورتیکه نمایندگی اشخاص دیگری که تقریباً نظایر ایشان بوده اند تصویب شده از این نقطه نظر بنده تصور نمیکند عدم معروفیت محلی بتواند انتخابات ایشان را طرف حمله قرار دهد اگر اجازه میفرمایند نظایر آنرا عرض نمایم والا ساکت باشم.

رئیس - بفرمایند.

تدین - از خراسان غیر از آقای معتمد السلطنه آقای فهمیم الملک هم منتخب شده اند چنانچه جریان انتخابات کاملاً یکی است و تمام دوسه های انتخابات و کلای خراسان تقریباً در تحت یک دستور و یک فرمول و یک شرط نوشته شده و همه هم جامع است از نقطه نظر جریان انتخابات و از روی صورت مجلس انتخابات هیچ اشکال و اعتراضی وارد نیست. و اما راجع به معروفیت محلی بنده عرض میکنم همان درجه معروفیتی که آقای فهمیم الملک در قوچان داشته اند به همان درجه آقای معتمد السلطنه هم در درج و اطراف آن معروفیت داشته اند معروفیت را بهر معنی که تعبیر فرمایند بهر درجه که شامل حال آقای فهمیم الملک بوده شامل حال ایشان هم هست خلاصه اینست که هر دو در عرض هم واقفند و اگر محتاج به اظهار ادله هم بشود عرض خواهم کرد پس بنابراین چون شعبه عدم معروفیت محلی ایشان را معتقد نبوده باین جهت نمایندگی ایشان را تصویب کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالف هستید یا موافق.

آقا سید یعقوب - بنده مخالف با آقای تدین هستم آنروز عرض کردم مواردی که می‌شود در آن مخالفت کرد دو قسم است یک قسم راجع به جریان انتخابات و قسمت دیگر راجع به صلاحیت شخص منتخب است گمان میکنم مواد قانون راجع به ریک از این دو مورد در عرض همدیگر باشند و در هر یک از

مواد قانون که متخلف شود میشود نسبت به شخص منتخب مخالفت کرد آقای تدین میفرمایند چون آقای فهمیم الملک هم معروفیت محلی نداشته اند پس باید انتخاب آقای معتمد السلطنه هم صحیح باشد هیچ ربطی ندارد عدم مهملی به مهملی دیگر اقامه مستعمل نمیدهند ایشان معروفیت محلی نداشتند لکن دارای کمالات دیگر بودند و همین نقطه نظر تصویب شده اند اما آن منتخب دیگر (که آقای معتمد السلطنه باشند) دارای آن کمالات نیستند بنده از تراکت خارج نمی‌شوم لیکن میخواهم عرض کنم که این ماده را خیلی باید ملاحظه نمایند تا ایالات و ولایات بدانند که باید از این خودشان نمایندند انتخابات کنند تمام نباید فقط بهر کزیهات متوجه باشند اگر نمایندند و وکیل ایالات و ولایات هر کزی وزیرشان هر کزی و حاکمشان هر کزی باشد پس این همه قانون مشروطیت است این مسئله باید ضمناً طرف توجه آقایان نمایندگان شود اگر چه قانون انتخابات سابق این حق را نمیدهد ولی بنده می‌خواهم پیشنهاد کنم که نمایندند هر ولایتی بایستی اهل همان ولایت باشد همین معروفیت محلی یک ماده ایست که بایست خیلی طرف توجه نمایندگان واقع شود و نمایندند کی آقای فهمیم الملک را نمیشود قیاس با آقای معتمد السلطنه کرد برای اینکه رأی داده شده و گذشته است.

رئیس - خیلی ممنون هستم که آقای آقا سید یعقوب رعایت تراکت را فرمودند.

آقا سید یعقوب - از تراکت هم خارج نمی‌شدم.

تدین - آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند با بنده مخالفند ولی نتیجه مذاکراتشان دو قسمت شد یک قسمتی راجع به بنده بود و آن موضوع معروفیت محلی بود قسمت ثانی راجع به صلاحیت یا عدم صلاحیت باشد در آن زمینه نه بنده وارد شدم و نه گمان میکنم سابقاً در این زمینه گفتگویی شده باشد (چون بنده نبودم) در آن قسمت اول عرض میکنم معروفیت محلی آقای فهمیم الملک از چه نقطه نظر است اگر فقط از راه خزانه داری ایشان است (و در آن نقاط ایشان را باین هم میشناختند) و نظر به همین ملاحظه در آن محل معروفیت محلی پیدا کرده اند مقام ایشان را با مقام آقای معتمد السلطنه مقایسه می‌نمایم مزایای معتمد السلطنه در معروفیت محلی نسبت به فهمیم الملک بیشتر است برای آنکه اولاً ایشان معاون وزارت مالیه بودند و البته معروفیت معاون وزارت مالیه از یک خزانه دار بیشتر است ثانیاً بواسطه انتساب ایشان بر ریاست وزراء وقت که آقای و توفیق الدوله بوده اند بایالت وقت که آقای قوام السلطنه بوده اند یک میزانی برای شخص ایشان موجود بوده که برای معروفیت ایشان کافی است و اگر این اندازه معروفیت کافی نبود و محل توجه نبود البته هر وقت مجلس یک رأی داده باشد و بعد متذکر شود که آن رأی موافق قانون بوده میتواند رأی خود را تغییر دهد پس بنابراین مقایسه بکنیم چنانچه معروفیت محلی معتمد السلطنه زیادتر از آقای

فهمیم الملک باشد لا اقل متساوی هستند و آن وقت یکی قبول و دیگری رد شود البته صحیح نیست اما اگر بجهت و ادله دیگری است بنده نمیدانم هر وقت شنیدم جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده هر چه مذاکرات در مجلس زیادتر جریان پیدا میکند بر تأثرم افزوده میشود بجهت اینکه چون آقای مخبر شعبه در موقع حمله مخالف در مجلس تشریف نداشتند بدون سابقه وارد میشوند برای آنکه یک دلیل آتی پیدا کنند تمام انتخابات خراسان و کلای آنجا را زیر پا گذارند و لکن اعمال کردند اگر چه من امیدواری کامل دارم و معتقدم که بعد از ختم این کشمکش های کوچک (که هیچک از دردهای بی درمان این مملکت را دوانخواهد کرد) مجلس شورای ملی حکم خواهد کرد صورت مذاکرات را جمع نموده و آن مذاکراتی که ضد و نقیض است وحدت و شدت دارد پاره کرده دور بپزند و مذاکراتی که ممکن است بعدها شاهد یک وقایع بشوند و با دلایلی باشد که فقط و فقط برای مواقع خاص سندیت دارد ترتیب داده و بقیه مذاکراتی را که باید فراموش شود از صورت مجلس حذف کنند در اصل مطلب بنده کاری ندارم که آقای معتمد السلطنه خوب باید یا در تحت تأثیر چه عواملی انتخاب شده و یا آقای فهمیم الملک همدوش هستند یا نیستند فقط چیزی که میتوانم بگویم این است که آقای مخبر از همارت تشنگ بهارستان خارج میشدند و در آن صحرا های گرم درج و قوچان میرفتند این فرمایشات را نمی‌فرمودند پس بایستی از این فضا خارج شد و یک قسری اطلاعات محلی تحصیل نمود بعد داخل مذاکره شد بر فرض اینکه آقای فهمیم الملک معروفیت محلی نداشته باشند بعد از آنکه مجلس شورای ملی در باب انتخاب ایشان رأی داد دیگر برای احترام رأی مجلس سابقاً در این زمینه گفتگویی شده باشد (چون بنده نبودم) در آن قسمت اول عرض میکنم معروفیت محلی آقای فهمیم الملک از چه نقطه نظر است اگر فقط از راه خزانه داری ایشان است (و در آن نقاط ایشان را باین هم میشناختند) و نظر به همین ملاحظه در آن محل معروفیت محلی پیدا کرده اند مقام ایشان را با مقام آقای معتمد السلطنه مقایسه می‌نمایم مزایای معتمد السلطنه در معروفیت محلی نسبت به فهمیم الملک بیشتر است برای آنکه اولاً ایشان معاون وزارت مالیه بودند و البته معروفیت معاون وزارت مالیه از یک خزانه دار بیشتر است ثانیاً بواسطه انتساب ایشان بر ریاست وزراء وقت که آقای و توفیق الدوله بوده اند بایالت وقت که آقای قوام السلطنه بوده اند یک میزانی برای شخص ایشان موجود بوده که برای معروفیت ایشان کافی است و اگر این اندازه معروفیت کافی نبود و محل توجه نبود البته هر وقت مجلس یک رأی داده باشد و بعد متذکر شود که آن رأی موافق قانون بوده میتواند رأی خود را تغییر دهد پس بنابراین مقایسه بکنیم چنانچه معروفیت محلی معتمد السلطنه زیادتر از آقای

فهمیم الملک باشد لا اقل متساوی هستند و آن وقت یکی قبول و دیگری رد شود البته صحیح نیست اما اگر بجهت و ادله دیگری است بنده نمیدانم هر وقت شنیدم جواب عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده هر چه مذاکرات در مجلس زیادتر جریان پیدا میکند بر تأثرم افزوده میشود بجهت اینکه چون آقای مخبر شعبه در موقع حمله مخالف در مجلس تشریف نداشتند بدون سابقه وارد میشوند برای آنکه یک دلیل آتی پیدا کنند تمام انتخابات خراسان و کلای آنجا را زیر پا گذارند و لکن اعمال کردند اگر چه من امیدواری کامل دارم و معتقدم که بعد از ختم این کشمکش های کوچک (که هیچک از دردهای بی درمان این مملکت را دوانخواهد کرد) مجلس شورای ملی حکم خواهد کرد صورت مذاکرات را جمع نموده و آن مذاکراتی که ضد و نقیض است وحدت و شدت دارد پاره کرده دور بپزند و مذاکراتی که ممکن است بعدها شاهد یک وقایع بشوند و با دلایلی باشد که فقط و فقط برای مواقع خاص سندیت دارد ترتیب داده و بقیه مذاکراتی را که باید فراموش شود از صورت مجلس حذف کنند در اصل مطلب بنده کاری ندارم که آقای معتمد السلطنه خوب باید یا در تحت تأثیر چه عواملی انتخاب شده و یا آقای فهمیم الملک همدوش هستند یا نیستند فقط چیزی که میتوانم بگویم این است که آقای مخبر از همارت تشنگ بهارستان خارج میشدند و در آن صحرا های گرم درج و قوچان میرفتند این فرمایشات را نمی‌فرمودند پس بایستی از این فضا خارج شد و یک قسری اطلاعات محلی تحصیل نمود بعد داخل مذاکره شد بر فرض اینکه آقای فهمیم الملک معروفیت محلی نداشته باشند بعد از آنکه مجلس شورای ملی در باب انتخاب ایشان رأی داد دیگر برای احترام رأی مجلس سابقاً در این زمینه گفتگویی شده باشد (چون بنده نبودم) در آن قسمت اول عرض میکنم معروفیت محلی آقای فهمیم الملک از چه نقطه نظر است اگر فقط از راه خزانه داری ایشان است (و در آن نقاط ایشان را باین هم میشناختند) و نظر به همین ملاحظه در آن محل معروفیت محلی پیدا کرده اند مقام ایشان را با مقام آقای معتمد السلطنه مقایسه می‌نمایم مزایای معتمد السلطنه در معروفیت محلی نسبت به فهمیم الملک بیشتر است برای آنکه اولاً ایشان معاون وزارت مالیه بودند و البته معروفیت معاون وزارت مالیه از یک خزانه دار بیشتر است ثانیاً بواسطه انتساب ایشان بر ریاست وزراء وقت که آقای و توفیق الدوله بوده اند بایالت وقت که آقای قوام السلطنه بوده اند یک میزانی برای شخص ایشان موجود بوده که برای معروفیت ایشان کافی است و اگر این اندازه معروفیت کافی نبود و محل توجه نبود البته هر وقت مجلس یک رأی داده باشد و بعد متذکر شود که آن رأی موافق قانون بوده میتواند رأی خود را تغییر دهد پس بنابراین مقایسه بکنیم چنانچه معروفیت محلی معتمد السلطنه زیادتر از آقای

تدین - تصور می‌کنم اگر مراجع فرماید هر ابضی که عرض نموده ام اینجا ثبت باشد (اشاره بهیئت تند نویسان) درست گوش داده نمی‌شود بعد عصبانی می‌شوید بنده نگفتم انتخابات خراسان در تحت یک دستور و فرمول بوده است بنده عرض کردم دوسه انتخابات در تحت یک فرمول و یک دستور از نقطه نظر تنظیم نوشته شده علی‌ای حال انتخابات خراسان خیلی خوب بوده کاری ندارم البته خوب بوده بنده عرض می‌کنم که صورت مجلس خیلی خوب و انتخاباتش خیلی منظم و موضوع آقای معتمد السلطنه شاید نظر دیگر هم داشته باشد و اینکه میفرماید با اصل غلط مجوز یک غلط دیگر نمی‌شود بنده اورا تصدیق می‌کنم اما اگر دلیل عدم معروفیت متمسک میشوید این دلیل نمیشود اگر دلیل دیگر دارید بگوئید.

رئیس - دوسه فقره پیشنهاد هم شده اگر مذاکرات را آقایان کافی میدانند خوانده شود

سردار معظم - توضیحی دارم و آن عبارت که آقای تدین فرمودند بنده بدقت گوش می‌دادم اینطور فرمودند صورت مجلس دوسه انتخابات خراسان در تحت یک...

تدین - نگفتم شاهد دارم.

رئیس - گمان می‌کنم وقتی می‌گویند من این طور نگفتم باید قانع شد.

سردار معظم - ثانیاً که فرمودند من هم قانع شدم.

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند - آقای مدرس و آقای منتصر الملک پیشنهاد کرده اند که رایورت برگردد بشعبه تا تحقیقات محلی شود.

مدرس - در این مسئله توضیح میدهم. با کمال تأسف باید اقرار کرد که عظم مجلس شورای ملی را باید زیاده بر آن بدانیم که بعضی مذاکرات بشود نشانده باید بعدها مطالب را در خارج تصفه بکنیم که در مجلس شورای ملی یا رأی اثبات یارای نمی‌گرفته شود لهذا بنده این پیشنهاد را نمودم آقایانی که مخالف بودند در عبارت در فرمایشات خودشان فرمودند که بنده بهیچ وجه صلاح نمیدانم این مذاکرات در مجلس شورای ملی بشود لهذا اگر مخبر خودشان رایورت را مسترد میدانند قیام و الا بموجب پیشنهادی که کرده ام بشعبه برگردد تا تحقیقاتی که لازم است یاد ر شعبه یا در یک کمیسیون بشود بلاحظه اینکه بعضی مذاکرات را بهیچوجه مناسب نمیدانم در مجلس بشود دیگری عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا شیخ محمد جواد راجع باین پیشنهاد مخالفند؟

آقا شیخ محمد جواد - راجع به آن فرمایشات آقای تدین اظهاری ندارم فقط راجع به پیشنهادی است که آقای مدرس فرمودند که این رایورت برگردد بشعبه و شعبه تحقیقات کند بنده کاملاً مخالفم بنده یک نفر خراسانی و نماینده حقیقی خراسان هستم و فریاد میکنم که این نماینده را بعلوم خراسانی فرو کرده اند از کسی تحقیق بکنیم بنده عرض میکنم آقای مخبر در رایورت می‌نویسد که شکایاتی نرسیده در صورتیکه تلگرافات شکایات را خود در دست آقای مخبر دیدم که تمام امضاء کنندگان آن را می‌شناسم

که از اهالی لطف آباد محمد آباد که مرکز حوزه انتخابیه درجاست هستند باین نوشته چه تحقیقاتی بکنیم شکای در این نیست که آقای معتمد السلطنه را اهالی زور آباد که انتهای نقطه انتخابیه ایشان واقع شده اند ایشان را هم نمی‌شناسند بلکه قوام السلطنه که سه سال است برادر بودن با آقای قوام السلطنه معروفیت برای ایشان نمیشود کلیه نظایر هم جواب بنده نمیشود بنده اگر یکدفعه نماز بخوانم باید بدیگویم که مجبور هستم باز هم نماز بخوانم زیرا که یک مرتبه نماز خوانده ام آقای تدین متمسک میشوند باینکه چون فلان کس که معروفیت نداشته باو رأی داده ایم باید به ایشان هم رأی بدهیم بنده بایشان عرض میکنم که شما یک نفر نماینده حافظ قانون و مقنن هستید با توجه داشتن باینکه فلان کس معروفیت محلی نداشته چرا آن روز بشنایدگی او رأی دادید و مخالفت نکردید این عقیده امروز برای جنابعالی آمد یا آن روز هم این عقیده را داشتید بنده کاملاً با این پیشنهاد مخالف هستم و میگویم نتیجه تلگراف کردن بحکام محلی جز توسری زدن ب مردم و تصدیق گرفتن چیز دیگر نیست. و بنام یک نفر خراسانی میگویم بنده معتمد السلطنه را نماینده خراسان نمیدانم و فریاد میزنم که ایشان را بعلوم خراسانی فرو کرده اند.

تدین - اجازه میفرمایند نسبتی هم ایشان بینده دادند جواب بگویم.

رئیس - بفرمایند.

تدین - آقا شیخ محمد جواد فرمودند دو فقره تلگراف رسیده بهلوی بنده بوده اینطور می‌خواهند بفهمانند که بنده آن تلگراف را یا مخفی کرده ام یا نسبتاً نسبتاً قرار داده ام اینطور نیست دو تلگراف رسیده یکی از لطف آباد یکی از درج هر دو تلگراف بنظر آقای رئیس رسیده که اولی تقریباً چهار یا پنج امضاء داشت بتاریخ سوم اسد دومی امضایش زیادتر است تاریخ گویا پنجم اسد است موافق آن قانونی که بنده و شما هر دو می‌گوییم باید طرفدار آن باشیم قانون انتخابات میگوید که در ظرف ماه اول باید رسیدگی کرد بعد از تمام شدن یک ماه نه شعبه نه جای دیگر حق ندارد رسیدگی کند فقط خود مجلس شورای ملی حق دارد رأی دیگری بدهد باین جهت بشعبه آمد و ترتیب آری بآنها داده نشد دیگر اینکه فرمودند عرض کردم که فلان را قبول کردید باید فلان را هم قبول کنید بنده کی این حرف را زدم و اظهار عقیده کردم تعجب میکنم چه شد که امروز بنده مبتلا شدم لایتنقطع توضیح بدهم و بعضی از آقایان مبتلا شده اند که هیچ نشنوند بنده عرض کردم هر دو مثل هم است اگر آن صحیح است دیگری هم صحیح است من که عقیده قاطعی نسبت بکسی ندارم عرض میکنم اگر ادله دیگری دارید چون من نبوده ام مطلع نشده ام بفرمایند شاید من هم بایستی موافق شوم.

نصرت الدوله - بنده میخواهم تأیید بکنم پیشنهاد آقای مدرس را و در مقابل یک قسمت از

فرمایشات که آقای آقا شیخ جواد معترض معتمد فرمودند تذکرا عرض کنم ارجاع بشبهه و تحقیقات محلی منحصر تلگراف و ارجاع بحکام یا بوسیله مأمورین رسمی نیست که آنها باز طرف سوء ظن جنابعالی بشود ممکن است یک اشخاص امین موثق مطلع از طرف خود مجلس شورای ملی انتخاب شوند که یا در محل بروند و تحقیقات لازم را بنمایند و یا در همین جا از اشخاص خیر و بصیر از ائمه و کلاهی خراسان و غیره تحقیق کنند باین ملاحظه بنده میتوانم پیشنهادی را که آقای مدرس فرمودند اگر آقایان رأی دهند مقصود آقا شیخ آقا محمد جواد حاصل خواهد شد مقصود این است که ما بدون رسیدگی و بدون مسلم بودن اینکه آقای معتمد السلطنه منتخب حقیقی درجست هستند یا نیستند رأی نداده باشیم ارجاع بشبهه برای همین است قبل از آنکه توضیح مختصر خود را خاتمه دهم خاطر آقایان و کلاهی خراسان را بیک نکته مختصر دیگری تذکر میدهم که آیا تصور میفرمائید امروز ممکن است تحقیقات محلی بر نفع آقای معتمد السلطنه بدون رئیس - تصور میکنم راجع باین پیشنهاد توضیحات کافی شده باشد.

سر دار معتمد - بنده يك سوالاتی دارم.

رئیس - راجع بچه.

سر دار معتمد - راجع باین پیشنهاد.

رئیس - بفرمائید.

سر دار معتمد - البته اگر آقای مدرس این

طور پیشنهاد بفرماید بنده با پیشنهاد ایشان موافقت خواهم کرد که اگر شعبه اختیارات خودش را برای تحقیقات محلی کافی ندانست هم بطور کراجه به آقای دست غیب گفته شدو بیک کمیسیون خاصی رجوع شود.

مدرس - عبارت پیشنهاد بنده هم بر این دلالت دارد بفرمائید قرائت شود.

نصرة الدوله - پیشنهاد را بمشورین ذیل خواندند پیشنهاد میکنم که معتمد السلطنه برگردد بشبهه که بالاخره تحقیق محلی بشود.

(کلمه راپورت را قبل از اسم آقای معتمد السلطنه از قام انداخته و نوشته بودند)

مدرس - مقصود این بود که اگر مقتضی بداند منتهی بکمیسیون هم بشود حالا اگر عبارت کافی نیست باید تکمیل شود.

نصرة الدوله - اجازه می فرمائید بنده تکمیل کنم.

مدرس - به مطلب همین است.

(آقای نصرة الدوله پیشنهاد را اصلاح و بمشورین ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم که راپورت راجع به آقای معتمد السلطنه برگردد بشبهه که تحقیقات محلی بشود و چنانچه شعبه خود را صالح برای تحقیق نداند برگردد بمجلس تا کمیسیون خاصی معین شود (مدرس)

رئیس - مثل پیشنهادی که راجع آقای دست غیب شد بنده برود بشبهه اگر شعبه بعد از تحقیقات کافی ندانست رأی بدهد دو باره برگردد به مجلس آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. در خصوص راپورت شعبه سوم راجع به آقای عبدالعالم مخالفی هست. میکنم این راپورت شعبه خود بهترین دلیل است بر بطلان انتخابات سمنان زیرا که در راپورت صریحا نوشته شده که اعلان انتخابات در دامغان شد انجمن جزء در آنجا تشکیل و دو روز هم تفرقه داده شد در بین اینکه تفرقه میدادند انجمن جزء که انجمن دامغان باشد از انجمن مرکزی تقاضا کرد که تفرقه که برای دامغان فرستاده شده است کافی نیست و کم است و هم چنین بوزارت داخله تلگراف کرده که تفرقه که فرستاده اند کم است و از انجمن مرکزی تفرقه فرستاده نشده انجمن مرکزی آتیاحی دارد در صورتیکه عدم مستثنی بودن از آن مقدار تفرقه که بانجمن جزء فرستاده شده رأی دهند گان زیاد تر باشند تفرقه

نفرستد مطابق کدام ماده از قانون انتخابات این حق برای انجمن مرکزی هست بنده همچو ماده در قانون انتخابات نمی بینم قانون بانجمن مرکزی حق میدهد که در مدت معینه اگر هر آینه انتخابات را خاتمه نداد و نتیجه اش را بانجمن مرکزی نفرستاد انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه دهد ولی این حق بانجمن مرکزی داده نشده که تفرقه بانجمن جزء ندهد و یک جمعی از منتخبین را از حق ملی خودشان محروم کند در این راپورت تصریح شده که تقاضای تفرقه کرده اند و تفرقه فرستاده اند بوزارت داخله هم تلگراف کرده اند و بنده آنچه شنیده ام از وزارت داخله هم بانجمن مرکزی دستور العمل داده شده است که تفرقه نفرستد معذالک انجمن سمنان نفرستاد غیر از اینکه يك نظر خاصی در اینجا ملحوظ شده آیامیتوان بر چیز دیگری حمل کرد آیا میتوان این انتخاب را جزو انتخابات محلی محسوب کرد بنده که چنین چیزی را تصور نمیکم که انجمن مرکزی بتواند يك جمعی از ملت را از حق رأی دادن محروم کند و انتخابات سمنان را خاتمه دهد و یک نفر نماینده از طرف سمنان و دامغان بمجلس معرفی کند خیلی بعید بنظر می آید یکی دیگر راجع به جناب ویابانک است در اینجا میگویند اعلان انتخابات فرستادند اما بعد دیگر معلوم نیست چه شد نه انجمن تشکیل شده و نه انتخابات شده نه مدتی برای آنها معین شده و بکل اهل السی آنها را از حق رأی دادن محروم کرده اند مثل اینکه اهالی آنها جزو این ملت نبوده اند حق رأی دادن نداشته اند و آنوقت می نویسند که وزارت داخله از حکومت توضیح میخواهد حکومت آن زمان امیر حشمت تلگراف میکند که انتخابات در اینجا سابقه نداشته و در زمان گذشته هم انجمن نظر تشکیل نداده اند و اهالی را از حق انتخابات محروم

کرده اند به بینند بمعرفی که در یک زمانی حق يك ملت و يك قومی را پایمال کرده اند و محرومشان نموده اند آیا میتوان این را دلیل بطلان حق آنها و گفت شما حق انتخاب ندارید بعد می نویسند یک نفر از طرف جناب سمنان آمده و نوشته اعتبار در دست داشت که این شخص که می آید سمنان محل اطمینان ما است هر چه میگوید صحیح است این طرز انتخاب را بنده نمیدانم موافق کدام قانون است که بدون اعلان انتخابات بدون تفرقه بدون رأی اسم او را انتخاب ملی گذارند آیا يك همچو اختیاراتی بانجمن نظر داده نشد که اظهارات او را بپذیرند ملاحظه بفرمائید دیگر اینکه می نویسند یک نفر اعتبار نامه در دست داشت آمد سمنان دیگر معلوم نیست او چه اظهار کرده آیا و کسالت عبدالعالم را از طرف بیابانک و و جناب تصدیق کرد یا نکرد آنرا هم نوشته با این ترتیب بنده خود را محتاج توضیح و شرح و بسط زیاد نمی بینم هم بقدر عرض می کنم که انتخابات سمنان این قسم بعمل آمده است یعنی فقط يك انجمن در سمنان دایر شده بدون اینکه اهالی دامغان و جناب بیابانک در انتخابات شرکت کرده باشند ولی آنوقت يك اعتبار نامه از محل مخصوص بمجلس شورای ملی آمد زیاد تر از اینهم لازم بتوضیح نیست

جليل المالك در نوشتن راپورت عقیده بنده این بود وقتی که شعبه انتخاب یک نفر نماینده را تصدیق میکند دیگر لازم بشرح و بسط نیست بهمین جهت بعضی از راپورتهای را مختصر نوشتم و تصدیق شعبه را قید کردم جلی در خود مجلس آقایان نمایندگان ایراد کردند که باید قسری مفصل تر باشد این بود که مفصل نوشته شد ولی شرط به تفصیل نوشتن این است که تمام جملات راپورت را بخوانید نه اینکه یکی را برای اعتراض خودتان سند قرار بدهید و یکی را مسکوت عنه بگذارید آیا آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در قانون انتخابات هیچ ماده نیست که بانجمن مرکزی حق بدهد تفرقه برای انجمن های جزو نفرستد صحیح است ولی قانون قید میکند که اگر انجمن های جزو در مدتی که انجمن نظارت مرکزی برای آنها معین نکرد صورت مجلس انتخابات خود را نفرستادند انجمن مرکزی بانقلاب خاتمه میدهد انجمن نظارت مرکزی سمنان قبل از رمضان تشکیل شده است و انجمن نظارت جزء را گفته است چون رمضان است بگذارند به دوم شوال و ازدوم شوال شروع بانقلابات بشود پس انجمن جزء کاملاً بجزایر و ترتیب انتخابات مسبوق بوده است متأسفانه مخالف قرارداد و مقررات انجمن مرکزی رفتار کرده است انجمن مرکزی مطابق مراسله نمره داری که در صورت مجلس قید شده بانجمن دامغان دستور میدهد که از دوم شوال نشر اعلان نکند در دوازدهم شوال یعنی ده روز بعد از نشر اعلان شروع بتوزیع تفرقه بنمایند و تا نوزدهم شوال تفرقه توزیع بشود و در بیست و دوم اخذ آراء بکند و در بیست و هشتم استخراج آراء نمایند این را دستور داده و موافق ماده ۱۸ نظامنامه انتخابات انجمن جزو حق مخالفت نداشته است الان عین ماده را بعرض آقایان میرسانم ماده میگوید در هر يك حوزه های انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه بعضی از آن

نقاط در مدتی که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات خود را بعمل میآورند حق انتخاب آنان ساقط میشود و انتخاب سایر نقاط آن حوزه معتبر است. انجمن نظارت مرکزی شخصا دستور داده و از طرف حکومت هم بنایب الحکومه دامغان نوشته شده جریان انتخابات از دوم شوال تا بیست و هشتم خواهد بود یعنی در بیست و هشتم شروع باخذ آراء خواهد شد در بیست و هشتم استخراج آراء خواهد شد انجمن دامغان بدون اطلاع انجمن مرکزی سمنان بموجب خواهش کمیته و کرات محلی دامغان تمديد مدت داده است و در هیچ جای این قانون ذکر نمیکند که انجمن جزء میتواند بدون اطلاع انجمن مرکزی تمديد مدت بدهد تمديد مدت داده است تا بیست و دوم شوال و از بیست و دوم شوال شروع باخذ آراء خواهد شد که اهالی دامغان و جناب بیابانک در انتخابات شرکت کرده باشند ولی آنوقت يك اعتبار نامه از محل مخصوص بمجلس شورای ملی آمد زیاد تر از اینهم لازم بتوضیح نیست

جليل المالك در نوشتن راپورت عقیده بنده این بود وقتی که شعبه انتخاب یک نفر نماینده را تصدیق میکند دیگر لازم بشرح و بسط نیست بهمین جهت بعضی از راپورتهای را مختصر نوشتم و تصدیق شعبه را قید کردم جلی در خود مجلس آقایان نمایندگان ایراد کردند که باید قسری مفصل تر باشد این بود که مفصل نوشته شد ولی شرط به تفصیل نوشتن این است که تمام جملات راپورت را بخوانید نه اینکه یکی را برای اعتراض خودتان سند قرار بدهید و یکی را مسکوت عنه بگذارید آیا آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در قانون انتخابات هیچ ماده نیست که بانجمن مرکزی حق بدهد تفرقه برای انجمن های جزو نفرستد صحیح است ولی قانون قید میکند که اگر انجمن های جزو در مدتی که انجمن نظارت مرکزی برای آنها معین نکرد صورت مجلس انتخابات خود را نفرستادند انجمن مرکزی بانقلاب خاتمه میدهد انجمن نظارت مرکزی سمنان قبل از رمضان تشکیل شده است و انجمن نظارت جزء را گفته است چون رمضان است بگذارند به دوم شوال و ازدوم شوال شروع بانقلابات بشود پس انجمن جزء کاملاً بجزایر و ترتیب انتخابات مسبوق بوده است متأسفانه مخالف قرارداد و مقررات انجمن مرکزی رفتار کرده است انجمن مرکزی مطابق مراسله نمره داری که در صورت مجلس قید شده بانجمن دامغان دستور میدهد که از دوم شوال نشر اعلان نکند در دوازدهم شوال یعنی ده روز بعد از نشر اعلان شروع بتوزیع تفرقه بنمایند و تا نوزدهم شوال تفرقه توزیع بشود و در بیست و دوم اخذ آراء بکند و در بیست و هشتم استخراج آراء نمایند این را دستور داده و موافق ماده ۱۸ نظامنامه انتخابات انجمن جزو حق مخالفت نداشته است الان عین ماده را بعرض آقایان میرسانم ماده میگوید در هر يك حوزه های انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه بعضی از آن

نقاط در مدتی که انجمن مرکزی در حدود همین قانون معین میکند انتخابات خود را بعمل میآورند حق انتخاب آنان ساقط میشود و انتخاب سایر نقاط آن حوزه معتبر است. انجمن نظارت مرکزی شخصا دستور داده و از طرف حکومت هم بنایب الحکومه دامغان نوشته شده جریان انتخابات از دوم شوال تا بیست و هشتم خواهد بود یعنی در بیست و هشتم شروع باخذ آراء خواهد شد در بیست و هشتم استخراج آراء خواهد شد انجمن دامغان بدون اطلاع انجمن مرکزی سمنان بموجب خواهش کمیته و کرات محلی دامغان تمديد مدت داده است و در هیچ جای این قانون ذکر نمیکند که انجمن جزء میتواند بدون اطلاع انجمن مرکزی تمديد مدت بدهد تمديد مدت داده است تا بیست و دوم شوال و از بیست و دوم شوال شروع باخذ آراء خواهد شد که اهالی دامغان و جناب بیابانک در انتخابات شرکت کرده باشند ولی آنوقت يك اعتبار نامه از محل مخصوص بمجلس شورای ملی آمد زیاد تر از اینهم لازم بتوضیح نیست

آقا سید یعقوب - بنده موافق هستم بعد از يك مخالف عرض میکنم.

حاج شیخ اسدالله - بنده يك نکته را قیلا یاد آوری میکنم راجع باین ماده از قانون انتخابات که حق میدهد بانجمن مرکزی که هر گاه در مدت معینه که انجمن مرکزی انتخابات اعلان کرده انجمن های جزو صورت انتخابات خود را بانجمن مرکزی نفرستادند انجمن مرکزی انتخابات را خاتمه داده و اعتبار نامه به منتخب آن محل میدهد البته آقایان تصدیق میفرمایند که این يك ماده است خیلی تعجیل و خیلی مبهم و مقصودش معلوم نیست مجلس شورای ملی هم در این يك ماده توضیحی نداده و يك شرحی برای آن نوشته که بچه کیفیت اگر باشد انجمن مرکزی میتواند حق مستثنی حوزه جزء را باطل نماید این هم شقوقی دارد یکی اینکه ممکن است تصور شود خود اهالی مسامحه میکنند در اینکه استیفای از حق ملی خود بکنند و يك وقت انجمن نظارت جزو در وثایف خودش مسامحه میکنند بکوت ممکن است حکومت در این باب مسامحه بکند و از تعیین انجمن جزء غفلت بکند و تاخیر بیاندازد تا مدت معینه منقضی شود. آیا آقایان تصدیق می کنند که اگر هر آینه نایب الحکومه دامغان در آن مدت که انجمن مرکزی تعیین کرده انجمن جزء تشکیل نداد. آیا آن وقت اهالی دامغان از حق انتخاب محروم یا اگر انجمن تعیین کرد و مسامحه ننمود در عملیات خودش باز بنده نمیتوانم تصور کنم که تفسیر انجمن سبب بطلان يك حق مشروع جمعی از ملت ایران خواهد شد بلی اگر خود اهالی مسامحه کردند و استیفای از حق مشروع ننمودند ممکن است در این صورت بانجمن مرکزی حق داد که انتخابات را خاتمه بدهد چون که اهالی خودشان در این باب مسامحه کرده اند و استیفای از حق ملی خود نکرده اند در هر صورت این يك ماده است که محتاج بیک شرحی است در این دوشکل ممکن است یکی اینکه اعلان کرده باشد و این اعلان در محل منتشر شده باشد یکی اینکه

فقط بحکومت تلگراف شده باشد که باید دوازدهم انتخابات آنجا شروع شود و در فلان روز تفرقه تمام شود و چند روز بعد استخراج آراء در صورتیکه بکلی نه انجمن جزو تشکیل شده و نه انتخابی شروع شده باشد نه اهالی مسبوق باشند. فقط يك تلگرافی انجمن مرکزی سمنان بدامغان مخابره کرده باشد بدون اینکه انجمن جزء تشکیل بشود بدون اینکه مردم از انتخابات مسبوق باشند در این مورد آیا انصاف است که ما بگوئیم اهالی دامغان را از حق خودشان باید محروم کرد این حق را بانجمن نظار بدهیم نه بنده حق میدهم به اهالی دامغان در موقعیکه حکومت اعلان کرده است در بیست و دوم شوال بوده و تقاضای تفرقه کرده اند مطابق امر وزارت داخله باید انجمن مرکزی تفرقه فرستاده باشد و انتخابات آنجا را خاتمه بدهد نه اینکه آنها را از حق خود محروم بکنند علاوه راجع به جناب ویابانک خود آقا میفرمایند تلگراف حکومت است که بلی مأمور مسامحه کرده است یعنی اصلا انجمن جزء در آنجا تشکیل نشده و هیچ رأی هم گرفته نشده و تفرقه هم نداده اند چون در سابق اعلان انتخابات در جندق شده بوده و شرکت نکرده بودند لهذا نماینده مسامحه کرده است از آنطرف دفاع میکند و میفرماید رمضان بصری در آنجا بوده است این دلیل نمیشود خودش تصدیق میکند که مأمورین مسامحه کرده اند نه اهالی یعنی مانی برای انتخابات آنجا نبود و مأمورین دولت در آنجا مسامحه کرده اند و انتخابات را شروع نکرده اند نه بواسطه مانع شدن رمضان بصری بنده نمیخواهم تصدیق بکنم که اهالی جندق و دامغان را انجمن مرکزی سمنان از حق خودشان محروم بکنند بنده عقیده ام اینست که باید انتخابات را تکمیل بکنند و از روی حق و حقیقت نماینده مدت از آنجا انتخاب شود والا باین حال بنده نمیتوانم رأی بدهم و باین راپورت مخالفه آقایان را چه عرض کنم

جليل المالك - راجع بساده ۳۷ قانون انتخابات تفسیر آن با مجلس است همانطور که آقای مخبر میفرمایند خیلی گنگ است حالا بنده در آن بحث نمیکم ولی راجع بانجمن دامغان موافق راپورتی که مشروحا بنده نوشته ام تصور نمیکند که این راپورت دیگر هیچ جای شبهه برای آقایان باقی بگذارد. در آنجا دوم رمضان انجمن جزء تشکیل شده داخل در مکانات شده دوم شوال اعلان کرده است و بنابر خواهش کمیته معنی آنجا تمديد مدت داده اند پس از دوازدهم که باید شروع بشود از بیست شروع کرده اند و هشت روز تمديد مدت داده اند والا نه اینکه آنجا اعلان نشده نه اینکه حکومت تقاضا کرده باشد نه اینکه تفرقه به آنها ترسیده باشد در هزار تفرقه هم به آنها رسید و توزیع کرده و در بیست و دوم باز تفرقه خواسته اند در اینصورت نمیشود گفت که انجمن نظر تشکیل نشده و تفرقه داده نشده اهالی دامغان مطلع نشده اند یا حکومت مسامحه کرده است خبر اینطور نیست و نبوده بنده جدا تکذیب میکنم موافق راپورتی که خودم عرض کردم در شعبه هم است بنده تگتم تسامح از طرف حکومت شده است عین تلگراف حاضر است میفرماید حکومت نوشته است مأمورین مسامحه کرده اند اینطور نیست لایقید و بی اعتنائی را به اهالی آنجا نسبت می دهد نه بخودش و مأمورین